



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

دگرگونی اجتماعی در دوران

حکومت جهانی حضرت مہدی

چکیده

دگرگونی‌هایی فراوان در دوران حکومت جهانی حضرت مهدی رخ خواهد داد که در واقع، انقلابی همه‌جانبه در قلمرو حکومت آن حضرت به شمار می‌رود. از جمله دگرگونی‌ها که در زمان ظهور رخ خواهد داد، دگرگونی در عرصه روابط اجتماعی، فرهنگی، امنیت اجتماعی، اقتصادی و نهاد آموزش و پرورش و در رفتار اجتماعی مردم است. حضرت مهدی، آرمان مدینه فاضله را در جامعه محقق می‌سازد و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را یک‌سره دگرگون می‌کند. ایشان نهادی در حکومت بنا می‌گذارد که در رأس آن امام معصوم قرار می‌گیرد و شخصی مانند حضرت عیسی برای تشکیل کابینه پا پیش می‌نهد که خود معصوم و از پیامبران خداوند است. هم‌چنین افراد برجسته دیگری در رأس حکومت قرار می‌گیرند که هرکدام در این مدینه فاضله به خدمت می‌پردازند.

واژگان کلیدی

حکومت، حکومت جهانی، دگرگونی اجتماعی، عدالت اجتماعی.

ژرف‌نگار گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

به فعالیت یا فرآیند حکم راندن، یعنی اعمال نظارت بر دیگران و واداشتن دیگران به رفتار و عمل به شیوه‌هایی معین و مقتضی، حکومت و حکمرانی گویند.^۱

مفهوم اصطلاح حکومت جهانی مهدوی نیز عبارت است از این که اسلام با ظهور امام غایب، تنها دین حق، الهی، کامل و دارای شریعت جامع، مقبول همگان خواهد افتاد و در آن زمان ستم‌گران و جابران از مسند قدرت به زیر کشیده می‌شوند. پس از آن، حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل برپا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد گردید.^۲

دگرگونی اجتماعی (social change) نیز تعاریف فراوانی دارد. بسیاری از جامعه‌شناسان دگرگونی را در ساختار اجتماعی و جانشین شدن آن می‌بینند. برای نمونه، موریس گینز برگ^۳ می‌نویسد:

چیزی که من از دگرگونی اجتماعی (social change) درک کرده‌ام، دگرگونی در ساختار اجتماعی است. برای مثال، دگرگونی در اندازه (size) و ترکیب (composition) و تعادل (balance) اجزاء یا سازمان‌های جامعه، کم‌شدن اندازه و حجم خانواده ... شکسته شدن اقتصاد متکی به اراضی با پیدایش شهرنشینی، انتقال از حالت رسته‌ها (estates) به طبقات اجتماعی (social classes) و...

گی روشه دگرگونی اجتماعی را چنین تعریف نموده است:

دگرگونی اجتماعی عبارت است از دگرگونی قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید.^۴

ضرورتی ندارد که دگرگونی اجتماعی را پدیده‌ای جمعی انگاشت، چنان که جامعه یا بخشی مهم از یک جامعه را دربر گیرد، بلکه دگرگونی اجتماعی باید در ساخت باشد؛ باید سراسر سازمان اجتماعی یا برخی از بخش‌های تشکیل‌دهنده سازمان اجتماعی را دربر گیرد.

دگرگونی ساختی در طول زمان شناخته می‌شود و میان دو یا چند مقطع زمانی، مجموعه دگرگونی یا نتایج آنها را باید بتوان تشخیص داد.

برای آن که دگرگونی اجتماعی در ساخت باشد، باید استوار بماند. به عبارت دیگر، فقط سطحی و زودگذر نباشد.^۵

برخی دیگر از جامعه‌شناسان دگرگونی را جانشینی در ساختارها (الگوهای کنش و کنش متقابل اجتماعی) دانسته‌اند که با جانشینی در هنجارها، ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی همراه است.

جامعه‌شناسی به نام آم. روز دگرگونی اجتماعی را تنها به معنای اخلاقی و روشن‌فکرانه

مفهوم اصطلاح حکومت جهانی مهدوی نیز عبارت است از این که اسلام با ظهور امام غایب، تنها دین حق، الهی، کامل و دارای شریعت جامع، مقبول همگان خواهد افتاد و در آن زمان ستم‌گران و جابران از مسند قدرت به زیر کشیده می‌شوند. پس از آن، حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل برپا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد گردید

می‌داند و آن را چنین تعریف نموده است:

دگرگونی اجتماعی عبارت است از دگرگونی در معانی و ارزش‌هایی که در جامعه و یا زیر گروه‌های (sub-group) مهم جامعه وجود دارد.^۶

تعریفی دیگر از دگرگونی اجتماعی بیشتر به دگرگونی اقتصادی، فرهنگی و تربیتی می‌پردازد و معتقد است که دگرگونی اجتماعی یعنی تبدیل و تعدیل در شیوه‌های اشتغال انسان‌ها، تربیت خانوادگی، آموزش فرزندان، استقلال فردی و جست‌وجوی هدف‌هایی در زندگی.

دگرگونی اجتماعی در حکومت جهانی حضرت حجت گونه‌ای دگرگونی بنیادی و اساسی است که از دگرگونی فرهنگی می‌آغازد و بر معیار ارزش‌های دینی و به صورت تکاملی شکل می‌گیرد. ساختار حکومتی که پایه آن به دست حضرت حجت گذاشته می‌شود، بنابر موازین اسلامی و برخاسته از آموزه‌های ناب دینی خواهد بود. این حکومت بر پایه ارزش‌های دینی دادگری می‌کند و بنابر هنجارهای دینی گام برمی‌دارد. نظام فرهنگی در این حکومت، اهمیتی فراوانی دارد و کنش‌های اجتماعی آنان براساس نظام فرهنگی صورت می‌گیرد. انحرافات اجتماعی و کج‌روی در چنین جامعه‌ای جای ندارد. ستم و تعدی با حکومت جهانی حضرت مهدی برچیده می‌شود و جامعه مدنی به معنای اسلامی آن در حکومت ایشان محقق می‌شود. شهروندان این جامعه براساس شایستگی و کرامت انسانی از منزلت اجتماعی ممتازی بهره‌مند می‌شوند. فقر و شکاف طبقاتی در این جامعه معنا ندارد و حکومت رفاه و آسایش در حکومت حضرت محقق خواهد شد.

گفتنی است که هرگونه دگرگونی اجتماعی در اسلام مطلوب نیست، بلکه اسلام به منزله مکتبی هدف‌مند در جامعه اهدافی را دنبال می‌کند که با ارزش‌های اسلامی هم‌سو باشد. لذا گاه اسلام وضعیت موجود را تقویت می‌کند و هنجارهای جامعه را می‌پذیرد. امام علی در نامه خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، برهم مزین و آدابی را که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور که پاداش برای آورنده سنت و کیفر آن برای تو باشد که آنها را درهم شکستی.^۷

به هر صورت، وقتی حضرت حجت ظهور کند، دگرگونی ساختاری و بنیادی در جهان به وجود خواهد آورد که هم انقلابی است و هم اصلاحی. آن دگرگونی که حضرت به وجود می‌آورد، بسیار فراگیر و به گونه‌ای تکاملی خواهد بود که جامعه را به سوی تعالی و تکامل واقعی به پیش خواهد برد. این دگرگونی در بخش‌های گوناگون به وجود خواهد آمد که این نوشتار با تأکید بر دگرگونی اجتماعی به آنها می‌پردازد:

الف) دگرگونی در عرصه اجتماعی

ناهنجاری‌های فراوانی در جامعه پیش از ظهور رخ می‌دهد که ظلم و ستم، ناامنی، بدعت، رواج خرافات و مشکلات اقتصادی از جمله آنهاست. وقتی حضرت حجت حکومتش را قائم می‌کند، همه تلاش خود را بر آن می‌دارد تا عدالت اجتماعی را در جامعه نهادینه سازد و ناامنی‌ها، بدعت‌ها، خرافات، مشکلات معیشتی و اقتصادی را از میان بردارد. لذا ایشان جامعه را به گونه‌ای دگرگون خواهد کرد.

دگرگونی در عرصه‌هایی مانند منزلت اجتماعی، روابط اجتماعی و هم‌بستگی اجتماعی، از دگرگونی‌های مهم در دوران حکومت جهانی حضرت حجت است. برخی از این گونه دگرگونی‌ها در پی می‌آید:

۱. دگرگونی در منزلت اجتماعی

از دگرگونی‌های مهم اجتماعی در حکومت جهانی حضرت مهدی، دگرگونی در منزلت اجتماعی و پایگاه قدرت جامعه است. در طول تاریخ، افراد فرودست جامعه در قدرت سهیم نبوده‌اند و همواره در طبقه محکوم جا می‌گرفته‌اند. منزلت اجتماعی، کمتر براساس شایسته‌سالاری و بیشتر بر مبنای قدرت، ثروت و انتساب رده‌بندی می‌شود. شایستگی‌ها در عرصه قدرت نیز در نظر گرفته نمی‌شود، اما حکومت جهانی حضرت مهدی شایستگی‌های افراد را در نظر می‌گیرد و بدین ترتیب، منزلت و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه دگرگون می‌گردد که ویژگی‌های این دگرگونی را به قرار زیر می‌توان برشمرد:

یکم. شایسته‌سالاری: از دگرگونی‌های مهم که در حکومت حضرت حجت پیش خواهد آمد، به کار گماردن افراد جامعه

متناسب با توانایی‌ها و استعدادهایشان در سمت‌های گوناگون است. اگر در حکومت‌های دیگر منزلت اجتماعی با پول، انتساب و از طریق رابطه‌ها به دست می‌آید، در حکومت جهانی حضرت کسب منزلت اجتماعی فقط با شایسته‌سالاری امکان می‌پذیرد و معنای شایسته‌سالاری (Meritocracy) آن است که ملاک اصلی در گزینش، ارتقا و انتصاب کارکنان دولت و دیگر نهادهای اجتماعی، کفایت و لیاقت است، بدین معنا که تصدی هر مقامی، به مهارت‌ها و کارایی‌هایی نیاز دارد تا حق آن درست به جا آورده شود و گرنه آن مقام، ناکارا باقی می‌ماند و چون چرخ دندانه‌داری معیوب، همه ماشین حکومت را از کار کرد خواهد انداخت. لذا در سازمان‌دهی حکومت کارآمد باید ضوابط احراز شغل را (به خصوص در مشاغل مدیریتی و کارشناسی) مراعات کرد و در یک کلام کار را به کاردان سپرد. در حکومت جهانی حضرت مهدی به شایستگی افراد و توانایی آنان توجه می‌گردد؛ زیرا نیروی انسانی از نعمت‌های الهی است که خداوند در اختیار جامعه قرار داده و شکر این نعمت با در نظر گرفتن توانایی و قابلیت‌های افراد از آنها به صورت بهینه و مناسب گزارده می‌شود. لذا حضرت حجت آن‌گونه که در روایات آمده حضرت عیسی را به وزیری خود برمی‌گزیند و چون افراد مسئول در حکومت حضرت خودساخته‌اند و تعدادی از آنان مانند حضرت عیسی، حضرت خضر و حضرت یوشع از پیامبران الهی‌اند، با درک موقعیت و نقش‌پذیری خود سمت‌های مناسب را برمی‌گزینند. بر همین اساس، حضرت عیسی می‌فرماید: «من وزیر برانگیخته شدم نه امیر»^۸.
 آیه ۱۰۵ سوره انبیاء به اصل شایسته‌سالاری اشاره می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۹

و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

بنابراین، بندگان شایسته به دلیل امتیاز و شایستگی که دارند، حکومت را در اختیار می‌گیرند و بر مردم حکومت می‌کنند.

دوم. دگرگونی در پایگاه قدرت: قدرت در طول تاریخ در دست اشراف، ثروت‌مندان و ستم‌گران بوده و کمتر برهه‌ای از تاریخ را می‌توان یافت که مستضعفان و تهی‌دستان جامعه قدرت را در دست گرفته باشند، اما در حکومت جهانی حضرت مهدی این دگرگونی مهم اجتماعی پدیدار می‌شود و طبقه محکوم و مستضعف به قدرت می‌رسند؛ زیرا ملاک برتری در این حکومت، شایستگی افراد جامعه است و نه پول و ثروت.

در طول تاریخ، طبقات مستکبر و سلطه‌طلبان اجتماعی با دست دراز کردن به سوی منابع ثروت و کالاها و مواد، خلق خدا را به دل خواه خود به کار می‌کشیده‌اند و برده خویش می‌ساخته‌اند. این جریان بنابر وعده‌های قرآنی به گونه‌ای اصولی و واقعی و نه شعاری و ادعایی، در انقلاب نهایی تاریخ به سوی نیستی ره می‌پوید، طبقه قدرت‌مند از اریکه قدرت به زیر افکنده می‌شود، فرودستان و ضعیف نگه‌داشته‌شدگان مراکز قدرت

اگر در حکومت‌های دیگر منزلت اجتماعی با پول، انتساب و از طریق رابطه‌ها به دست می‌آید، در حکومت جهانی حضرت کسب منزلت اجتماعی فقط با شایسته‌سالاری امکان می‌پذیرد

را در دست می‌گیرند، محرومان حاکم می‌گردند و آرزوی دیرینه همه مصلحان و انسان‌دوستان و پیامبران، تحقق‌ی راستین می‌یابد. بدین ترتیب، این انقلاب به سود طبقه مستضعف صورت خواهد پذیرفت.

انقلابیان در انقلاب نهایی به دلیل معیارهای دقیق الهی که بر جان و روانشان حاکم است و دین‌باوری راستینی که در ژرفای روحشان نفوذ کرده، هیچ‌گاه از راه اصلی و الهی خویش غافل نمی‌مانند و جهت حرکت خود را عوض نمی‌کنند. بنابراین، مشکل اصلی انقلاب‌های تاریخی که پس از رسیدن به قدرت، گذشته خویش را به پشت می‌افکنند و به همه معیارها و اصول انقلاب خود پشت می‌کنند، پیش نمی‌آید و همواره طبقه فرودست، انقلابی می‌ماند.

این انقلاب که در انتظار بشر است و بشر نیز در انتظار آن است، در آیه‌ای از قرآن چنین مطرح گردیده است:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^{۱۰}

ما می‌خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان سازیم و وارث برای زمین.

در این رخداد عظیم تاریخ انسان، حقیقتی که همواره به آن وعده داده شده و هیچ‌گاه لباس واقعیت نپوشیده و به عینیت نرسیده، آشکار می‌گردد و عینیت می‌یابد. بنابراین، در دوران حکومت جهانی حضرت مهدی نخبگان سیاسی با نخبگان دینی به هم می‌پیوندند و دین عین سیاست و سیاست عین دین می‌گردد و این امر موجب می‌شود در منزلت اجتماعی افراد دگرگونی پدید آید، انسان‌های صالح در رأس قدرت قرار گیرند^{۱۱} و جامعه را به سمت سعادت و نیکی سوق دهند. ماهیت روابط اجتماعی در پرتو این دگرگونی بنیادین که جوهری انقلابی دارد، دگرگون می‌شود و تحوّل اصولی می‌یابد.

۲. دگرگونی در روابط اجتماعی

یکی از دگرگونی‌های مهم اجتماعی که در جامعه‌شناسی از آن بحث می‌شود، دگرگونی در روابط اجتماعی (Change in social relationships) است. برخی حتی دگرگونی را با دگرگونی‌های خاص در روابط اجتماعی تعریف می‌کنند:

دگرگونی در روابط اجتماعی ... یعنی دگرگونی در شیوه‌های گوناگون روابط افراد با یک‌دیگر.

جادسون لاندیس^{۱۲} می‌نویسد:

دگرگونی اجتماعی به دگرگونی در ساختار و کارکردهای روابط اجتماعی در یک جامعه اشاره دارد.^{۱۳}

ل. فون ویزه نیز از کسانی است که دگرگونی اجتماعی را در مناسبات و روابط اجتماعی می‌بیند. وی می‌نویسد:

دگرگونی اجتماعی یعنی دگرگونی در مناسبات انسان با انسان که دگرگونی در مناسبات انسان با انسان همان دگرگونی در روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی، اشاره دارد به رفتار دسته‌ای از افراد، تا آن‌جا که کنش هر شخص در محتوای معنادارش کنش دیگران را نیز در خود لحاظ نموده باشد. بنابراین، روابط اجتماعی به گونه کامل و منحصر وابسته‌اند به احتمال وجود کنش اجتماعی که تا اندازه‌ای از نظر معنایی فهمیدنی باشد.^{۱۴}

در عصر حکومت جهانی امام زمان در رابطه انسان با انسان‌های دیگر و در کنش متقابل افراد جامعه دگرگونی به وجود می‌آید، و روابط سلطه‌طلبانه و استثمار به روابط برادرانه و حق‌شناسانه^{۱۵} تبدیل می‌شود. در آن دوران، دیگر انسانی حق انسانی را پای مال نمی‌کند و کسی در قلمرو جامعه انسانی، استثمار نمی‌شود و هر انسانی هرچند ضعیف و ناتوان به حقوق خویش بدون هیچ مانعی دست می‌یابد. لازمه تفکیک‌ناپذیر حاکمیت مستضعفان همین است. گرچه انقلاب‌های بشری این چگونگی را وعده داده‌اند، در ظرف عینیت و عمل چندان تحقق نیافته و یا تحقق فراگیر و پایدار نداشته است. آن دوران که این وعده انسانی، بی‌کم و کاست در درون زندگی‌ها نمودی آشکار می‌یابد و فراگیر و همگانی می‌شود، دوران حاکمیت مستضعفان است. معنای حاکمیت مستضعفان و وعده الهی در انقلاب آخر زمان همین است.

۳. هم‌بستگی اجتماعی

ایجاد هم‌بستگی بین مسلمانان از دگرگونی‌های مهم در زمان حضرت مهدی است. حضرت مهدی تلاش می‌کند تا مؤمنان را با هم نزدیک سازد و زمینه هم‌بستگی اجتماعی را در

میان آنان فراهم آورد. علی در این زمینه می‌فرماید:

حضرت مهدی بر همان سیره و روش پیامبر و امام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد... و حق جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند.^{۱۶}

روشن است که جمع‌آوری حق‌جویان پراکنده بدین معنا نیست که همه آنان را از سراسر عالم در یکجا جمع می‌کند، بلکه مقصود این است که در میان حق‌جویان روحیه تعاون، هم‌کاری و تکافل اجتماعی ایجاد می‌گردد و بدین ترتیب هم‌بستگی اجتماعی در میان مؤمنان پدید می‌آید. از سوی دیگر، برای این که بستر هم‌بستگی اجتماعی فراهم گردد و پایه‌های آن در جامعه استحکام بیشتری یابد، کینه، نفاق و اختلاف از بین مردم رخت برمی‌بندند. آن‌گاه مردم در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی تجربه می‌کنند و از هم‌بستگی اجتماعی بسیار بالایی برخوردار می‌گردند. شاخص‌های هم‌بستگی اجتماعی در زیر می‌آید:

یکم. از بین رفتن فتنه:

امیر مؤمنان از رسول خدا می‌پرسید: آیا مهدی از بین ما اهل بیت است، یا از غیر ماست؟ رسول خدا فرمود: نه! بلکه از بین ماست. خداوند دین را به او می‌انجامد، چنان‌که به ما آغاز کرد و مردم به وسیله او از فتنه‌ها رهایی می‌یابند، چنان‌که به وسیله ما از شرک نجات یافته‌اند. و خداوند به وسیله او بعد از دشمنی و فتنه، الفت برادرانه ایجاد می‌کند، چنان‌که به وسیله ما پس از دشمنی شرک، الفت در دین ایجاد فرمود.^{۱۷}

دوم. ایجاد الفت و دوستی: دل‌های مخالف در زمان حضرت حجت با هم الفت می‌گیرند و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی می‌کنند. در حدیثی از امیر مؤمنان آمده است که حضرت فرمود:

و یؤلف به بین القلوب المختلفة؛^{۱۸} و خداوند به وسیله حضرت مهدی بین دل‌های مخالف، الفت و دوستی ایجاد می‌کند.

سوم. از بین رفتن کینه و دشمنی: وقتی حضرت حجت ظهور کند و حکومت جهانی‌اش را برقرار سازد، کینه و دشمنی از دل‌های مردم رخت برمی‌بندد، چنان‌که در حدیث آمده است که حضرت امیر مؤمنان فرمود:

لو قد قام قائمنا، لأنزلت الساء قطرها ولأخرجت الأرض نباتها وأذهب الشحاء من قلوب العباد...^{۱۹} اگر قائم ما برخیزد، آسمان بارانش را نازل کند و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی و ستیزه‌جویی از دل‌های بندگان برود.

ایجاد هم‌بستگی
بین مسلمانان از
دگرگونی‌های مهم در
زمان حضرت مهدی
است. حضرت مهدی
تلاش می‌کند تا مؤمنان
را با هم نزدیک سازد
و زمینه هم‌بستگی
اجتماعی را در میان
آنان فراهم آورد

هم‌بستگی اجتماعی به صورت زیر محقق می‌شود:

یکم. توحید ادیان: در زمان ظهور امام زمان ، ادیان دیگر جز دین اسلام از بین می‌روند و اسلام تنها دین پذیرفته شده می‌ماند و این امر موجب می‌شود مردم به دین واحدی ایمان بیاورند و ایمان و باور مردم به صورت یک‌سان هرچند کلی مشکک شکل بگیرد. در نتیجه، رفتار و هنجارهای اجتماعی که برخاسته از باور و اندیشه افراد است نیز طبق معیارهای دینی شکل می‌گیرد.

بنابر روایتی، ابن‌بکیر از ابوالحسن درباره آیه ۸۳ سوره آل عمران **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا** پرسید. حضرت در پاسخ فرمود:

این آیه درباره قائم نازل شده است. وقتی او ظهور کند، اسلام را در شرق و غرب عالم بر یهود، نصارا، صابئین، زندیقان، مرتدان و کافران عرضه می‌کند. هرکس اسلام را با رضایت پذیرفت، او را به نماز و زکات و دیگر چیزها که خدا بر او واجب گردانیده و مسلمانان به آن مأمورند، دستور می‌دهد و کسی که اسلام را نپذیرد، حضرت گردن او را می‌زند تا در شرق و غرب عالم کسی نماند مگر آن‌که به یگانگی خداوند معتقد گردد.^{۲۰}

در تفسیر آیه **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** امام باقر فرمود که این امر در زمان ظهور حضرت مهدی از خاندان محمد ، تحقق پیدا می‌کند که هیچ کسی نمی‌ماند مگر این‌که به پیامبر ایمان می‌آورد.^{۲۱} از امام صادق در تفسیر این آیه چنین نقل کرده‌اند:

به خدا سوگند! هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و به هنگامی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار نماید، در تمام جهان باقی نخواهد ماند.^{۲۲}

حضرت ابوعبدالله نیز فرمود:

آنک قائم آل محمد که با حضور خویش - حجت را بر همگان تمام می‌کند - کافری باقی نمی‌گذارد؛ زیرا کفر بدون کافر حیات ندارد و این کافر، اگر در شکم صخره‌ای پنهان شده باشد، تخته سنگ به زبان آید و بگوید: ای مؤمن! در شکم من کافری پنهان شده است،

مرا بشکن و او را بکش.^{۲۴}

دوم. روشن کردن اذهان با دلیل و برهان: از آن‌جا که در حکومت جهانی حضرت مهدی ، فرهنگ جامعه در سطح بالایی قرار می‌گیرد و مردم بدون دلیل چیزی را نمی‌پذیرند و از آن سو، اگر برای گفته خود دلیل محکم و قانع‌کننده‌ای بیاورند، آن را می‌پذیرند، حضرت حجت با دلایل محکم و قانع‌کننده مردم را به سوی دین نجات‌بخش دعوت می‌کند. در حدیثی که امام مجتبی از پدرش حضرت علی نقل می‌فرماید، آمده است:

مهدی زمین را از برهان و دانش و نور هدایت پر می‌کند تا آن‌جا که سراسر گیتی به وی ایمان آورند و کافران مسلمان شوند و فاسقان صالح گردند.^{۲۵}

از این حدیث به خوبی فهمیده می‌شود که از کارهای مهم که حضرت حجت در عصر ظهور انجام می‌دهد، آوردن دلیل و بحث‌هایی علمی است که حضرت در مناظره‌ها و گفت‌وگوهای علمی حجت را بر دشمنان تمام می‌کند.

۴. عدالت اجتماعی

عدالت در آموزه‌های اسلام، پایه‌ای است که جهان بر آن استوار می‌گردد.^{۲۶} در واقع، زندگی بر محور عدالت می‌چرخد.^{۲۷} اگر در زمین عدالت حاکم نباشد، آن زمین مرده است و به عدالت‌گستری نیاز دارد که آن زمین را با عدالت زنده نماید.^{۲۸} گسترس عدالت در سراسر عالم ویژگی بارز حکومت جهانی امام مهدی است. شیعه و سنی بنابر احادیثی فراوان به این مسئله پرداخته‌اند. فراوانی این دسته از روایات چنان است که هیچ‌گونه تردیدی برای انسان بانصاف نمی‌گذارد. مردم جهان از عدالت‌گستری حضرت زمانی بهره‌مند می‌گردند که ستم‌گران و منافقان دست‌شان از حکومت کوتاه شود، و منادی از آسمان ندا دهد که ای مردم به حضرت مهدی ببیوندد.^{۲۹}

خداوند حضرت حجت را در حالی که عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست دارد، ظاهر می‌نماید و به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد، بعد از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد.^{۳۰}

رسول خدا فرمود:

خداوند از نسل این دو (امام حسن و امام حسین) شخصی را برمی‌انگیزد که دژهای گم‌راهی را می‌گشاید و دل‌های سیاه قفل‌خورده را تسخیر می‌نماید... و دنیا را پر از عدل و داد می‌نماید، بعد از آن‌که پر از جور و ستم شده باشد.^{۳۱}

چنان‌که از امام باقر روایت شده، از سیره‌های عملی امام زمان این است که با مردم عادلانه رفتار می‌نماید و ثروت را بین آنان به صورت برابر تقسیم می‌کند. پس کسی که از او پیروی نماید، مثل کسی است که از خدا اطاعت نموده و کسی که از او نافرمانی نماید، مثل کسی است که نافرمانی خدا را کرده باشد.^{۳۲}

پس از رسول خدا خلفا، امیران و پادشاهان ستم‌گر هریک دوران خود را سپری می‌کنند. آن‌گاه حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر ظهور می‌نماید و زمین را پر از عدل می‌کند، همچنان‌که از ستم پر شده است.^{۳۳}

از مصادیق عدالت مهدی این است که وی کتاب تورات و دیگر کتب آسمانی را از غار انطاکیه بیرون می‌کشد، آن‌گاه بین پیروان تورات مطابق تورات و بین اهل انجیل مطابق انجیل و بین اهل زبور مطابق زبور و بین اهل قرآن مطابق قرآن حکم می‌کند. برای حضرت اموال بسیاری جمع می‌شود و حضرت خطاب به مردم می‌فرماید:

بشتابید به سوی آنچه برای آن شما خون ریختید و مرتکب حرام شدید و صلۀ رحم را قطع کردید. بعد حضرت به مردم اموال زیادی می‌بخشد، چنان‌که کسی آن مقدار اموال را به کسی در طول تاریخ نبخشیده و زمین را از عدالت و نور پر می‌نماید، هم‌چنان‌که از ظلم و شر پر شده است.^{۳۴}

فراگیری عدالت از ویژگی‌های عدالت در حکومت حضرت است، به گونه‌ای که تمام عالم از آن بهره‌مند می‌گردد. از امام حسین روایت شده که فرمود:

وقتی به پادارنده عدالت به پاخیزد، عدالت او همه نیکوکاران و بدکاران را فرا می‌گیرد.^{۳۵}

روشن است که اگر عدالت حضرت هنجارشکنان جامعه را شامل می‌شود، به این معنا نیست که از گناهان آنها کاسته می‌شود، بلکه معنایش این است که آنان بنا بر آنچه در قانون اسلام برای گناهشان در نظر گرفته شده، مجازات می‌شوند. بنا بر احادیث فراوانی که از معصومان در دست است، مردم در قلمرو حکومت مهدی چنان زندگی خواهند کرد که پیش از آن هرگز نکرده‌اند؛ زیرا زندگی آنان بسیار آرام توأم با فراوانی نعمت‌های الهی، عدالت اجتماعی^{۳۶} و شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی خواهد بود.

ب) دگرگونی در عرصه فرهنگی

هرگاه فرهنگ جامعه براساس ارزش‌ها شکل بگیرد، هنجارها از همان فرهنگ حاکم گرفته می‌شود و کنش‌های اجتماعی با توجه به نظام فرهنگی صورت می‌گیرد. حضرت

بنا بر احادیث فراوانی که از معصومان در دست است، مردم در قلمرو حکومت مهدی چنان زندگی خواهند کرد که پیش از آن هرگز نکرده‌اند؛ زیرا زندگی آنان بسیار آرام توأم با فراوانی نعمت‌های الهی، عدالت اجتماعی^{۳۶} و شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی خواهد بود

حجت بیشتر به دگرگونی نظام فرهنگی توجه خواهد فرمود. ایشان از دگرگونی باور و اعتقاد افراد می‌آغازد؛ زیرا هرگاه باور و اعتقاد دگرگون گردد، رفتارهای اجتماعی نیز دگرگون خواهد شد:

۱. دگرگونی در ارزش‌ها

دگرگونی در باورها و ارزش‌ها از دگرگونی‌های مهم و بنیادی است که در دوران حکومت حضرت حجت رخ می‌دهد. بنیادی بودن این نوع دگرگونی از آن روی است که وقتی باورها و ارزش‌ها در جامعه دگرگون گردد، هنجارها و رفتارهای اجتماعی نیز پیرو آن دگرگون می‌شود. هدایت مردم و ترویج ارزش‌های دینی در جامعه از اهداف مهم حضرت مهدی است. حضرت حجت به مانند پیامبر به اندازه فهم مردم^{۳۷} و با زبان آنان^{۳۸} پیام خداوند را برای مردم باز می‌گوید و آنان را به خداپرستی دعوت می‌نماید. دگرگونی که حضرت می‌آفریند، بنیادین است؛ از اندیشه و باور شروع می‌شود و به دگرگونی رفتار اجتماعی پایان می‌پذیرد. حضرت مهدی تلاش می‌کند خدامحوری را در جامعه ترویج نماید و مردم را از بت‌پرستی و غیر خداپرستی برحذر دارد. حضرت حجت کانون ارزش‌ها را دگرگون می‌سازد و خداوند را در محور تمام ارزش‌ها قرار می‌دهد و ارزش دیگر امور با آن سنجیده می‌شود. بنابراین، همه رفتارهای اجتماعی و از جمله دگرگونی‌های اجتماعی زمانی ارزش‌مند خواهد بود که با کانون ارزش‌های دینی در ارتباط باشد.

حضرت مهدی می‌کوشد نظام فرهنگی جامعه را دگرگون سازد که با ساختار نظام جدید فرهنگی با محوریت خداوند و ارزش‌های دینی^{۳۹} نظام رفتاری افراد جامعه نیز دگرگون می‌شود. همان‌گونه که پارسونز بیان داشته، نظام فرهنگی نظام رفتاری را می‌تواند هدایت کند و به آن اطلاعات دهد. پس چگونگی نظام فرهنگی در هنجارها و رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. انسان هنجارها را در درون فرهنگ جامعه فرا می‌گیرد. از این رو، چنین می‌توان نتیجه گرفت که برای دگرگونی رفتارها و هنجارهای اجتماعی باید به سراغ ریشه رفت، یعنی نظام فرهنگی. مصلحان اجتماعی و نخبگان اگر تغییری در رفتار جامعه بخواهند ایجاد نمایند، باید نظام فرهنگی را دگرگون سازند. در زمان حکومت حضرت حجت رفتارهای اجتماعی افراد جامعه برابر با

ارزش‌های دینی تنظیم می‌گردد و مفسد اخلاقی از بین می‌رود شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

[در حکومت حضرت حجت [مفسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدم‌کشی و غیره از بین می‌رود و روان‌های انسان از عقده و کینه خالی می‌شود].^{۴۰}

۲. دگرگونی در نهاد پرورش

تربیت تأثیری اساسی در نظام فرهنگی اسلام دارد، تا جایی که تربیت افراد جامعه بر آموزش آنان مقدم شمرده شده است. آیه دوم سوره جمعه بر این مطلب دلالت دارد:

اوست آن‌کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد.^{۴۱}

ترکیه در این آیه پیش از تعلیم آمده است که خود اهمیت تربیت را می‌نماید.

انسان در همه ابعاد، تربیت‌شدنی است و هنگامی که برنامه‌های تربیتی براساس ارزش‌های والای اخلاقی و انسانی تنظیم گردد، بشر راه اعتدال و درستی را خواهد برگزید و در راه و روش شایسته و ستوده‌ای گام خواهد نهاد. اما اگر برنامه‌ها و عوامل تربیتی فاسد و ناصالح باشد، بی‌تردید نتیجه عکس خواهد بود و انسان به سوی تباهی خواهد رفت.

مکاتب و اندیشه‌های انحرافی و التقاطی در جامعه مهدوی^{۴۲} از بین می‌روند، کج‌روی در جامعه رو به کاهش می‌نهد و از سوی دیگر، تعلیمات دینی رونق می‌گیرد و مردم جامعه‌ای تشکیل می‌دهند که در آن هنجارهای دینی و مناسک دینی را فراوان به جا می‌آورند و از رفتارهای نابهنجار فراوان می‌کاهند. آن‌گاه مشکلات مالی و قضایی مردم حل می‌گردد و بر کسی ستم نمی‌شود. لذا وقتی نسل‌های جدید در چنین جامعه به دنیا می‌آیند، به صورت بهنجار جامعه‌پذیر می‌گردند و از الگوهای رفتاری بهنجار پیروی می‌کنند.

کودک در فرآیند جامعه‌پذیری نخستین جایی که تجربه می‌اندوزد، خانواده است. کانون خانواده که کودک در آن دیده به جهان می‌گشاید، عاملی تربیتی است که در جهت‌دهی به کودک

و جامعه‌پذیری وی تأثیر فراوان دارد. همه مردم در دوران ظهور حضرت حجت به آموزه‌های اسلامی بسیار عمل می‌کنند و از سوی دیگر، برنامه‌های مخرب تلویزیونی و امثال آن جای خود را به برنامه‌های بسیار سازنده و مفید می‌دهند. لذا این عوامل در درون خانه بر تربیت فرزندان اثر مطلوب می‌گذارد و کودک در فرآیند جامعه‌پذیری در معرض الگوهای سازنده قرار می‌گیرد که در تربیت کارآمد او تأثیر مثبت دارد.

یکم. مدرسه و گروه هم‌سالان: پس از خانه، تأثیر مدرسه در تربیت و جامعه‌پذیری کودک بسیار مهم است. کودک با ورود به محیط مدرسه، هنجارهای مهم اجتماعی را یاد می‌گیرد و طبق هنجارهای پذیرفته‌شده آن‌جا عمل می‌کند. در دوران حضرت حجت نهاد آموزش آن‌گونه که خواهد آمد، سازنده و طبق معیار آموزه‌های دین است. معلّمان در چنین نهادی خود تربیت الهی و قرآنی گردیده‌اند و هم‌چنین گروه هم‌سالان همه در خانواده‌های دین‌مدار تربیت و بزرگ شده‌اند که در مدرسه نیز به جز هنجارهای مفید چیزی دیگری فرا نمی‌گیرند. بنابراین، هم محتوای درس‌ها سازنده است و هم مربیان خودساخته‌اند که این امر باعث می‌شود دانش‌آموزان در محیط مدرسه خوب تربیت گردند.

دوم. جامعه و تربیت کودکان: از عوامل مهم برای جامعه‌پذیری، خود جامعه است. اگر محیط جامعه ناسالم باشد، بر کودکان تأثیر منفی می‌گذارد و ممکن است کودکان در گذر زمان کج‌روی و انحراف بیاموزند؛ زیرا وقتی کودک در محیط جامعه ببیند که مردم کج‌روی می‌کنند، برای نمونه دروغ می‌گویند و از غیبت، حسادت و تهمت دوری نمی‌کنند، ممکن است این رفتارها را فرا بگیرد. اما در دوران ظهور که جامعه سالم است، بر کسی ستم نمی‌شود، به مناسک و هنجارهای دینی عمل می‌گردد و امر به معروف و نهی از منکر دوباره احیا می‌شود و مردم با نظارت اجتماعی مراقب رفتارهای ناپه‌نجا هم‌دیگرند و در صورت مشاهده هر نوع کج‌روی در جامعه در پی اصلاح آن برمی‌آیند، مردم بنا بر آموزه‌های دینی عمل می‌کنند و کودک در چنین اوضاعی درست تربیت می‌شود. سوم. رسانه‌ها و تربیت: دانیل لرنر درباره تأثیر رسانه‌ها می‌نویسد:

میلیون‌ها نفر از انسان‌ها در جهان به طور مستقیم از رسانه‌های گروهی بیشتر متأثر شده‌اند تا آژانس‌های حمل و نقل.

بدین جهت، بی‌تردید رسانه‌ها در عصر جدید، بیشترین تأثیر را در دگرگونی اجتماعی دارند و می‌کوشند جامعه سنتی را درنوردند و ارزش‌های جدید را در جامعه ترویج کنند. رسانه‌ها پیام‌ها را متناسب با ایدئولوژی و ارزش‌های پذیرفته‌شان از طریق فرستنده‌های پیام به مخاطبان القا می‌کنند و با تکرار و خیرسازی بر گیرندگان پیام تأثیر می‌گذارند و به این ترتیب، اندیشه‌ها و در گذر زمان باورهای مخاطبان را دگرگون می‌کنند و ارزش‌های جدیدی را در جامعه می‌گسترانند که با دگرگونی باورها و ارزش‌ها، رفتار و هنجار افراد جامعه نیز دگرگون می‌شود. اکنون رسانه‌ها بخشی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهند

اگر محیط جامعه ناسالم باشد، بر کودکان تأثیر منفی می‌گذارد و ممکن است کج‌روی و انحراف بیاموزند؛ زیرا وقتی کودک در محیط جامعه ببیند که مردم کج‌روی می‌کنند، برای نمونه دروغ می‌گویند و از غیبت، حسادت و تهمت دوری نمی‌کنند، ممکن است این رفتارها را فرا بگیرد. اما در دوران ظهور که جامعه سالم است، بر کسی ستم نمی‌شود، به مناسک و هنجارهای دینی عمل می‌گردد و امر به معروف و نهی از منکر دوباره احیا می‌شود و مردم با نظارت اجتماعی مراقب رفتارهای ناپه‌نجا هم‌دیگرند و در صورت مشاهده هر نوع کج‌روی در جامعه در پی اصلاح آن برمی‌آیند، مردم بنا بر آموزه‌های دینی عمل می‌کنند و کودک در چنین اوضاعی درست تربیت می‌شود

و بر کنش و رفتار آنها بسیار تأثیر می‌گذارند. کوک که در زمینه سینما و تلویزیون تحقیقات ارزش‌مندی انجام داده، در مورد تأثیر فیلم و سریال در رفتار افراد می‌نویسد:

بخش عمده‌ای از زندگی ما را تصاویر عکاسی شده متحرک دربر گرفته است... تصاویر عکاسی شده متحرک قسمتی از نمای عمومی جامعه‌های مدرن صنعتی شده‌اند و از نظر جسمی و روانی به رفتار و کردار ما شکل می‌دهند.

وی در جای دیگر از تأثیر رسانه و فیلم در زندگی انسان سخن گفته است:

[فیلم‌ها] اظهار نظر می‌کند و ارتباط ما را با واقعیت مادی به صورتی پی‌گیر تعریف می‌کند.

آن‌چه در تأثیر رسانه‌ها باید بدان توجه کرد و در غرب نیز به آن توجه نموده‌اند و مکتب فرانکفورت به آن انتقاد کرده، «صنعت فرهنگی» است؛ فرهنگ جهت داده شده، غیرخودجوش، چیزواره شده و ساختگی. مکتب فرانکفورت آن را مجموعه‌ای از افکار از پیش بسته‌بندی شده توده‌گیر می‌داند که توسط رسانه‌های همگانی انتشار می‌یابند. اما در حکومت حضرت حجت رسانه‌ها بسیار سازنده در تربیت سالم افراد کمک می‌کنند، نه این‌که آنان را گمراه نمایند و پیام‌های نادرست در اختیار آنان بگذارند.

امام مهدی که در اندیشه اصلاح جامعه جهانی است و جامعه‌ای به راستی اسلامی می‌خواهد پی‌بریزد و آن را به ارزش‌های والای انسانی و قرآنی می‌خواهد بیاراید، در این راه از وسایل و عوامل تربیتی بهره می‌گیرد و آموزش‌های تربیتی صحیح و سازنده خویش را به وسیله این وسایل و تجهیزات به گوش‌ها می‌رساند. از این رو، مدارس و آموزشگاه‌ها براساس فرهنگ و تعالیم انسان‌ساز اسلام اداره و رهبری می‌شوند، راه‌های تعلیم و تربیت در همه مراحل از شیوه‌ها و برنامه‌های اسلامی بهره‌مند می‌گردد و وسایل ارتباط جمعی به طور کامل، شایسته و مفید و ثمربخش می‌شوند و از چهارچوب مقررات و ارزش‌های اسلامی فروگذار نمی‌گردند.

حضرت علی با عباراتی چنین نوید می‌دهد که مهدی هواهای نفسانی را به هدایت باز خواهد آورد، آن‌گاه که هدایت

را به هواپرستی بفروشدند و آرا و نظرها را بر قرآن منطبق سازد؛ هنگامی که قرآن را بر مدار آرای خویش باز خوانند.^{۴۳}

۲. دگرگونی در نهاد آموزش

توجه به آموزش ویژگی بارز حکومت حضرت حجت است. نهاد آموزش از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود که در اسلام حکم زیربنایی دارد.^{۴۴} رشد معنویت، اخلاق و انسانیت فرد به آموزش و تربیت وابسته است و این نهاد، با تعقل و شناخت انسان بی‌واسطه سر و کار دارد و مرز بین انسان و حیوان را ترسیم می‌نماید. نهاد آموزش و پرورش در جامعه، فرهنگ‌ساز است و اگر درست پی‌ریزی گردد و هم‌آهنگ با فطرت انسان پیش برود، باعث رشد و کمال انسان می‌گردد و گرنه ممکن است انسان را نابود سازد و مسیر و هدف اصلی او را تغییر بدهد. انسان در نهاد آموزش و پرورش با وظایف و تکالیف خود آشنا می‌شود.

اگر انسان بخواهد جامعه‌ای را اصلاح نماید، باید در گام نخست از بخش نرم‌افزاری آغاز نماید. شاید به همین دلیل است که حضرت حجت عقول انسان را شکوفا می‌کند و آن را برای یادگیری آماده می‌سازد و بعد از آن به تعلیم و تعلم قرآن و سنت همت می‌گمارد.

۳. گسترش فرهنگ دینی

در دوران حکومت جهانی امام مهدی نظام فرهنگی شکوفا و بارور می‌گردد و دانش، فرهنگ و معنویت به ویژه علوم دینی و احکام و مقررات و معارف انسان‌ساز اسلام در سراسر گیتی بسط و گسترش می‌یابد و چرخ‌های فرهنگ و آگاهی و شناخت با سرعت وصف‌ناپذیری به حرکت می‌افتد. یکم. ترویج قرآن و سنت: از امیر مؤمنان روایت شده که حضرت فرمود:

از پس دورانی که هدایت وحی پیرو هوس‌های این و آن شده، او (مهدی) هوس‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند و در حالی که نظریه‌های گوناگون به نام تفسیر بر قرآن تحمیل شده، اندیشه‌ها را پیرو قرآن می‌کند.^{۴۵} او چگونگی حاکمیت عدل را نمایش می‌دهد و کتاب و سنت مرده را از نو زنده می‌کند.^{۴۶}

در زمان ظهور حضرت حجت بنابر آن چه در روایات آمده است، به اندازه‌ای به مردم حکمت و دانش داده می‌شود که یک زن در خانه‌اش بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند.^{۴۷} وقتی قائم آل محمد به پا می‌خیزد، در بیرون از شهر کوفه مسجدی بنا می‌کند که دارای هزار دروازه است^{۴۸} و شیعیان در آن مسجد با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن نازل شده بود، آموزش می‌دهند.^{۴۹} دوم، احیای قرآن و معارف قرآنی: امیر مؤمنان با اشاره به قیام حضرت مهدی فرموده است:

كأني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة و قد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما أنزل؛^{۵۰}

گویا شیعیان ما اهل بیت را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده و خیمه‌هایی زده‌اند و در آنها قرآن را آن‌چنان که نازل شده است به مردم می‌آموزند.

علی در خطبه‌ای دیگر، درباره‌ی عمل کرد حضرت مهدی پس از ظهور فرموده است:

يعطف الهوى على الهدى إذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن إذا عطفوا القرآن على الرأى؛^{۵۱}

آن هنگام که مردم هدایت را تابع هوای خویش قرار داده باشند، او می‌آید و خواسته‌های نفسانی را پیرو هدایت می‌کند و آن زمان که مردم قرآن را مطابق نظر و رأی خود توجیه کرده باشند، او می‌آید و رأی و اندیشه را به خدمت قرآن می‌گیرد و آن را در مطابقت با قرآن شکل می‌بخشد.

بنابر اعتقادات شیعیان، امامان معصوم قرآن ناطق هستند و تفسیر واقعی قرآن را می‌دانند.

سوم. تأسیس مراکز دینی

مراکز دینی فراوانی در قلمرو حکومت حضرت حجت ساخته می‌شود که مردم هم در آنجا عبادت می‌کنند و هم به فراگیری و تحصیل علم می‌پردازند. مساجد بزرگی در زمان ظهور حضرت حجت تأسیس می‌شود که در آن فعالیت‌های دینی، فرهنگی و آموزشی انجام می‌شود؛ مساجدی با هزار در بنا می‌شود که بی‌گمان، چنین بنایی بسیار بزرگ خواهد بود. هم‌چنین بنابر روایات، در شهر حیره مسجدی خواهند ساخت که پانصد در خواهد داشت و دوازده امام جماعت عادل در آن نماز جماعت می‌گزارند. چهار مسجد دیگر در کوفه ساخته خواهد شد که مسجد کوفه فعلی از همه آنها کوچک‌تر خواهد بود. دو مسجد دیگر نیز در دو سوی کوفه احداث خواهد شد و حضرت در قسطنطنیه و نزدیک آن مساجد بسیاری خواهد ساخت. مردم در این مساجد در کلاس‌های گوناگون مشغول تحصیل خواهند بود.

مراکز دینی فراوانی در قلمرو حکومت حضرت حجت ساخته می‌شود که مردم هم در آنجا عبادت می‌کنند و هم به فراگیری و تحصیل علم می‌پردازند. مساجد بزرگی در زمان ظهور حضرت حجت تأسیس می‌شود که در آن فعالیت‌های دینی، فرهنگی و آموزشی انجام می‌شود

چهارم. دگرگونی در عرصه علمی

به نظر دانش‌مندان اسلامی، معارف، مهارت‌ها و اسباب و وسائلی که هر جامعه‌ای به کمک آنها بقای خود را استمرار می‌بخشد و چگونگی معاش خود را تعیین می‌کند، همواره در حال افزایش است و افزایش و رشد علم و فن در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی تأثیری شایان دارد. شاید دانش‌مندی پیدا نشود که اهمیت علم را نادیده بگیرد و تأثیر آن را در دگرگونی اجتماعی انکار نماید. هیچ دگرگونی و برنامه انقلابی بدون جهشی فکری و فرهنگی، پایا و پویا نخواهد بود و رشد و تکامل لازم را نخواهد یافت.

درباره علم به چند نکته باید توجه کرد: اول این که مراد از علم معنای تحریف شده آن (science) نیست. متأسفانه از پس رنسانس علم معنای اصلی خود را از دست داده و در این معنای پوزیتیویستی به کار رفته است.^{۵۳} دوم آن که تأثیر علم در دگرگونی اجتماعی مانند دیگر عوامل جزئی از علت به شمار می‌رود و در دگرگونی اجتماعی نباید تنها یک عامل را برجسته نمود و آن را علت تام دگرگونی دانست. سوم آن که در نظریه دگرگونی اجتماعی شهید صدر، شهید مطهری، استاد مصباح و... به ترتیب بر آرمان متعالی انسان، فطرت، فرهنگ و دگرگونی انفسی تأکید کرده‌اند که همه این نظریات به همان فطرت و علم‌خواهی و کمال‌طلبی انسان برمی‌گردد که خداوند آن را در نهاد انسان قرار داده است، یعنی اگر کمال‌خواهی، علم‌خواهی و دانش‌دوستی در انسان وجود نمی‌داشت، هرگز تمدن و پیش‌رفتگی نیز نمی‌بود. بنابراین، سرچشمه همه دگرگونی‌ها، پیش‌رفت و تکامل در جوامع بشری در پرتو دانش و علم است.

پنجم. رشد و توسعه علم

در زمان حضرت حجت علم و دانش بشری نیز به صورت چشم‌گیری پیش‌رفت خواهد نمود. اما پیش‌رفت زمان حضرت مهدی با پیش‌رفت زمان ما بسیار متفاوت خواهد بود؛ زیرا در زمان حضرت مهدی پیش‌رفت با حفظ ارزش‌ها، تعالی اخلاق و انسانیت توأم است؛ چیزی که در پیش‌رفت امروزی لحاظ نمی‌گردد.

بنابر احادیث معصومان، حضرت مهدی قرآن، دانش و سلاح را همراه خود دارد.^{۵۴} روشن است که قرآن همان قانون

الهی است که در دست قرآن ناطق قرار می‌گیرد و خط مشی حکومت حضرت را مشخص می‌کند، دانش وسیله‌ای برای رفاه افراد جامعه و فراهم نمودن زمینه رشد و پیش‌رفت است و سلاح قدرت است که ابزاری برای رفع موانع تکامل به کار می‌رود.

بنابر فرموده امام صادق پیامبران فقط دو حرف از ۲۷ حرف علم را آورده‌اند و مردم تا امروز چیزی بیشتر از آن دو حرف نمی‌دانند، اما وقتی حضرت قائم ظهور نماید، ۲۵ حرف دیگر را نیز به دو حرف قبلی می‌پیوندد تا ۲۷ حرف علم را کامل منتشر کند.^{۵۴}

ششم. رشد و توسعه ارتباطات

بنابر روایت ابن مسکان، حضرت ابوعبدالله فرموده است: در زمان حضرت قائم مؤمن، برادر خویش را می‌بیند در حالی که یکی در شرق عالم است و دیگری در غرب عالم.^{۵۵}

اگر در گذشته این حدیث خیلی مفهوم نبوده، امروزه با اختراع تلفن همراه، اینترنت و... بیشتر مفهوم است. امام صادق فرموده است:

زمانی که امام زمان ظهور نماید، خداوند قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را می‌افزاید، به گونه‌ای که حضرت از فاصله دوری (یک برید که در حدود چهار فرسخ است)، سخن می‌گوید و شیعیان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که حضرت در جایگاه خود ایستاده است.^{۵۶}

البته برخی از این امور فهمیدنی نیست، اما این چیزی غریب نیست؛ زیرا بسیاری از اختراعات بشر که بر اثر پیش‌رفت علم محقق شده، پیش از اختراع از جمله محالات به نظر می‌رسیده است. برای مثال، پیش از اختراع تلویزیون، رادیو، تلفن و رایانه سرویس‌دهی این دستگاه‌ها به صورتی که امروز عادی شده، از جمله محالات به شمار می‌آمده است. در زمان ظهور حضرت حجت علم و دانش چندین برابر زمان ما رشد می‌کند. این مطلب از روایاتی استفاده می‌شود که برخی از آنها در بالا بیان شد. در نتیجه، عقل در آن زمان رشد می‌یابد و تمام علم و دانش به

دست مبارک حضرت حجت در میان مردم منتشر می‌شود و آن‌گاه رشد و توسعه در عرصه‌های گوناگون پدید می‌آید.

هشتم. دگرگونی در آموزه‌های دینی

پیش از ظهور حضرت حجت آموزه‌های دینی را کنار می‌نهند و از اسلام تنها اسم آن می‌ماند و مردم به بهانه‌های گوناگون احکام اسلامی را ترک می‌گویند و یا بر اثر تفسیر به رأی، اسلام اصیل را زیر غبارهای بدعت‌ها و خرافات گم می‌کنند و رفتارها و هنجارهای دینی در جامعه رنگ می‌بازد. اما وقتی حضرت حجت ظهور کند، دوباره آموزه‌های دینی و هنجارهای اسلامی را زنده می‌کند و آن‌گاه رفتارهای مردم براساس کتاب و سنت شکل می‌گیرد و آموزه‌ها و هنجارهای دینی دوباره زنده می‌شود. در دعایی که عمروی از آن حضرت روایت کرده، آمده است:

و جدّد به ما امتحی من دینک...^{۵۷}

آن‌چه از دین تو محو شده، به وسیله او دوباره تجدید نما.

در روایت دیگری از ابوالحسن الرضا نقل شده است که حضرت فرمود:

به وسیله او آن‌چه را از کاخ دینت ویران شده و یا از احکام شرعت تغییر و تبدیل یافته، تجدید فرمای و از نو بنیاد کن تا این‌که به دست او شرع تازه و آیین جدید و شادابی را به سوی مردم بازگردانی.^{۵۸}

برپا کردن حدود تعطیل شده، از مصادیق مهم اجرای عدالت به دست آن حضرت است. ایشان حدودی را که سال‌ها تعطیل شده بوده و تحت عنوان حقوق دروغین بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی از آنها چشم پوشیده‌اند، دوباره بنابر دستورهای الهی اجرا می‌کند. در دعایی که از خود حضرت نقل شده آمده است:

و أقم به الحدود المعطّلة؛^{۵۹}

و با او حدودی را که وانهاد و تعطیل کرده‌اند، برپا دار!

اجرای احکام ترک‌شده الهی دیگر از مواردی است که حضرت حجت به اجرای آن اقدام می‌کند. حضرت حجت این احکام را دوباره زنده می‌کند و بدون این‌که به کسی ستم گردد، آنها را اجرا می‌کند. در این باره فرموده‌اند:

و أقم به... الأحكام المهمة؛^{۶۰}

به وسیله حضرت حجت احکام کنار رفته و وانهاد شده را برپا دار!

هفتم. استعدادهای آماده برای یادگیری

استعدادها در حکومت حضرت شکوفا می‌شود و عقل‌ها رشد می‌یابد تا در عرصه علم و فن‌آوری بیشتر پیش روند و از آموزه‌های اسلامی بیشتر بهره بگیرند. بنابر روایتی، وقتی

در زمان ظهور حضرت حجت علم و دانش چندین برابر زمان ما رشد می‌کند. این مطلب از روایاتی استفاده می‌شود

حضرت قائم به پاخیزد، دست خود را بر سر بندگان خدا می‌کشد، آن‌گاه عقل‌های آنها رشد می‌کند و اخلاقشان کامل می‌شود.^{۶۱}

روشن است وقتی عقل انسان‌ها رشد یابد و اخلاق‌ها کامل گردد، ایمان آنان نیز کامل می‌گردد؛ زیرا انسان با عقل رشدیافته، بهتر آموزه‌های ناب دین را می‌تواند فراگیرد و زمانی که دانش دینی را به خوبی دریابد، باور انسان نیز سیر صعودی می‌یابد و ایمان انسان به کمال می‌رسد. بنابر روایات، ایمان انسان در زمان ظهور حضرت کامل می‌شود^{۶۲} و زمانی که ایمان و باور دینی انسان به کمال رسد، آن‌گاه انسان هنجارهای اخلاقی را بهتر رعایت خواهد کرد و به بایدها و نبایدهای دین‌گرددن خواهد نهاد و برای عمل به آن تلاش می‌کند.

باور و ایمان عمیق دینی رفتارهای فرد را از درون راهنمایی می‌کند. از همین روست که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنِّي بَعَثْتُ لَكُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

من برای آن برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را کامل نمایم.

ج) دگرگونی در نهاد حکومتی

دگرگونی در نهاد حکومت از دگرگونی‌های مهمی است که در دوران ظهور حضرت حجت رخ خواهد داد. بیشتر حکومت‌های قبل از ظهور بر پایه‌های غیردینی استوار هستند و هیچ‌گونه مشروعیت دینی ندارند، اما حکومتی که حضرت بنا می‌کند، با معیارهای دینی برابر است و مشروعیت دینی و مردمی دارد. قانون اساسی حکومتی که حضرت بنا می‌کند، از قرآن و سنت برگرفته شده است و افراد صالح و شایسته در رأس آن قرار دارند.

حضرت حجت حکومتی را پی می‌ریزد که اصلاحات فراوانی در آن به چشم می‌خورد. وی ارزش‌های اسلامی را دوباره زنده می‌کند و مطابق خط مشی پیامبر اسلام حکومت می‌کند و سنت آن حضرت را دوباره زنده می‌کند، همان‌گونه که پیامبر اعظم فرموده است:

مردی از عترتم بر می‌خیزد و طبق سنت من پیکار می‌کند، همان‌گونه که من طبق وحی پیکار کردم.^{۶۳}

وی از سنت من پیروی می‌کند و از آن تخطی نمی‌کند.^{۶۴}

۱. سادگی و دوری از تجملات

امام رضا بنابر روایتی فرموده است:

اگر قائم ما ظهور نماید، خوراکش جز غذایی ساده و مقداری شیر نخواهد بود و لباسش خشن و غیرلطیف خواهد بود.^{۶۵}

حضرت مهدی در همه‌ی امور از جمله در سادگی و اجتناب از تجملات از پیامبر اسلام پیروی می‌کند.^{۶۶} حضرت مهدی بر خود بسیار سخت می‌گیرد؛ لباس خشن و غیرلطیف می‌پوشد و نان جو می‌خورد، اما بر امت خود بسیار مهربان خواهد بود و مردم به او پناه می‌برند.^{۶۷}

۲. کارگزاران صالح و عادل

بی‌تردید کارگزاران حکومت و اعضای کابینه دولت تأثیری بسیار مهم در دگرگونی اجتماعی دارند. اگر کارگزاران حکومت افراد صالح نباشند، آن حکومت به ستم و ظلم رو خواهد آورد و حق مردم و شهروندان در چنین جامعه‌ای ضایع می‌گردد، اما اگر کارگزاران حکومت افراد صالح و شایسته باشند، جامعه رشد خواهد نمود و بر کسی ستم نخواهد شد.

رهبری حکومت حضرت مهدی را افراد پارسا، عادل و متعهد امت بر عهده دارند.

یکم، نخست‌وزیر معصوم حضرت عیسی نخست‌وزیر کابینه حضرت حجت، است که از معصومان و پیامبران اولوالعزم به شمار می‌رود. حضرت عیسی می‌فرماید:

بعثت وزیراً و لم ابعث أميراً؛^{۶۸}

من به وزیری برانگیخته شده‌ام، نه به امیری.

دوم، کارگزاران باتجربه و شایسته: ۲۷ نفر در کابینه حضرت حجت از افراد بسیار برجسته و باتجربه وجود دارند که در حکومت حضرت مشغول انجام وظیفه‌اند. بنابر روایتی امام صادق فرموده است:

هنگامی که حضرت قائم آل محمد قیام کند، ۲۷

نفر از پشت کعبه خارج می‌شوند که عبارتند از: ۲۵ نفر

از قوم موسی آنان که به حق قضاوت می‌کنند و با عدالت رفتار می‌نمایند و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع و صی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه أنصاری و مالک اشتر.^{۶۹}

بنابر این روایت‌ها، کسانی در رأس حکومت جهانی حضرت مهدی قرار می‌گیرند که بارها آزموده شده‌اند و شایستگی خود را به خوبی نشان داده‌اند. کسی چون حضرت عیسی به وزیری در حکومت حضرت ایفای نقش می‌کند، و کسی چون مالک اشتر، سلمان فارسی و... نیز در حکومت حضرت مشغول انجام وظیفه می‌گردند. سوم. نظارت دقیق بر کارگزاران: حضرت مهدی بر کارگزاران خود نظارت دقیق خواهند کرد تا حق کسی ضایع نگردد و بر کسی ستم نشود. بنابر روایتی از امام علی حضرت حجت از کارگزاران حکومت و یاران خود چنین پیمان می‌ستاند:

دزدی نکنند، به زنا آلوده نشوند، بی‌جهت کسی را نکشند و حریم محترمی را هتک نکنند، مسلمانی رادشنام ندهند، بر استراحت گاهی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، مرکب‌های گران‌قیمت و تجملی سوار نشوند، کمربندهای طلا بر میان میندند، پوشاک خز دربر نکنند، حریر نپوشند... مسجدی را ویران نسازند، راه‌زنی نکنند، بر یتیمی ستم روا ندارند، جاده‌ای را ناامن نسازند، مال یتیم را نخورند، شراب نوشند، در امانت خیانت روا ندارند، عهدی را زیر پای نهند، گندم و جو را احتکار نکنند و... .

بنابر حدیثی از امیر مؤمنان ایشان فرموده است:

زام‌دارانی در حکومت حضرت حجت حکومت می‌کنند که از تبار زمام‌داران امروزین نیستند، کارگزارانشان را در برابر کار و کردار زشتشان وا می‌سپردند و کیفر می‌دهند... او چگونگی حاکمیت عدل را نمایش می‌دهد و کتاب و سنت مرده را از نو زنده می‌کند.^{۷۰}

چهارم. سخت‌گیری بر رفتار کارگزاران: حضرت مهدی بر کارگزاران خود سخت می‌گیرد و با مستمندان بسیار مهربان است و برای بخشیدن مال بسیار سخاوت‌مندانه رفتار می‌کند.^{۷۱}

پنجم. اعزام کارگزاران عادل به شهرها: حضرت مهدی کارگزارانی عادل به شهرها گسیل می‌دارد تا به عدالت رفتار کنند^{۷۲} و به کسی ستم نگردد.

بنابراین، کارگزاران حضرت مهدی شجاع،^{۷۳} عادل، امین و متقی هستند؛ افرادی صالح و شایسته که شایستگی کارگزاری در حکومت جهانی آن حضرت را دارند. از سوی دیگر، خود حضرت بر رفتار کارگزاران خود بسیار سخت می‌گیرد تا مبادا رفتار آنان عادلانه نباشند و بر کسی ستم گردد.

۳. استقرار امنیت

کسانی در رأس حکومت جهانی حضرت مهدی قرار می‌گیرند که بارها آزموده شده‌اند و شایستگی خود را به خوبی نشان داده‌اند. کسی چون حضرت عیسی به وزیری در حکومت حضرت ایفای نقش می‌کند، و کسی چون مالک اشتر، سلمان فارسی و... نیز در حکومت حضرت مشغول انجام وظیفه می‌گردند

پیش از ظهور حضرت حجت نامنی و ستم همه‌جا را فرا می‌گیرد. لذا وقتی ایشان ظهور می‌کند و حکومت جهانی‌اش را مستقر می‌سازد، به نامنی‌ها پایان می‌دهد و امنیت فراگیر را در قلمرو حکومت خویش برپا می‌دارد.

امنیت فراگیر در حکومت حضرت حجت در زیر پرچم سبز آن حضرت در سراسر قلمرو آن حضرت وجود دارد. مردم در زمان ظهور آن حضرت با صلح و صفا در کنار هم زندگی می‌کنند. چه بسا امنیت آن زمان، از جهان انسان هم فراتر رود و قلمرو حیوانات را نیز دربر گیرد. بنابر روایتی امام علی فرموده است:

اگر قائم ما به پاخیزد، کینه از دل‌های آدمیان رخت برخواهد بست، و حیوانات وحشی با یک‌دیگر با صلح و صفا زندگی خواهند کرد، آن‌چنان که زنی بین عراق و شام را چون ره‌گذری در آرامش، از روی سبزه‌ها بگذرد و بر سرش زینت (طلا و نقره) حمل کند، ولی هیچ موجودی چه انسان و چه وحوش او را نترسانند.^{۷۴}

برای برقراری امنیت در جامعه، باید افرادی دل‌سوز و قوی برای تأمین امنیت و استقرار آن شب و روز فعالیت کنند. حضرت حجت برای تحقق امنیت، کارگزاران صالح و شایسته‌ای به شهرها می‌فرستد تا به نیازهای مردم رسیدگی کنند و امنیت را فراهم آورند. بنابر روایتی حضرت مهدی کارگزاران عادل را به شهرها گسیل می‌دارد تا به عدالت رفتار کنند. آن‌ها گام گوسفند و گرگ در یک مکان چرا می‌کنند، و کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند، اما از آنان به کودکان صدمه‌ای نخواهد رسید.^{۷۵}

هم‌چنین بنابر روایتی رسول خدا فرموده است:

در زمان حضرت قائم ستم برداشته می‌شود، راه‌ها از امنیت برخوردار می‌گردد و زمین برکات خود را برای مردم خارج می‌کند.^{۷۶}

با توجه به این‌که مردم آن زمان آگاهی دینی بالایی خواهند داشت و از درون ساخته خواهند شد و اخلاق آنان رشد خواهد نمود و عقول آنها کامل خواهد شد، با هم‌دیگر مهربان‌اند و ترجیح می‌دهند با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند.

۴. حکومت بر دل‌ها

مردم در حکومت حضرت مهدی از درون ساخته خواهند

شد، با تربیت قرآنی و اسلامی رشد خواهند نمود، از صمیم قلب به آموزه‌های دینی عشق خواهند ورزید و از مجریان احکام دین خشنود خواهند بود؛ زیرا حضرت بر کسی ستم روا نخواهد کرد و زمینه زندگی مادی و معنوی مردم را به صورت شایسته فراهم خواهد کرد. روشن است که حضرت ولی‌عصر در چنین جامعه‌ای بر دل‌ها حکومت خواهد کرد. چند روایت در این باره در پی می‌آید:

رسول خدا فرموده است:

شما را به مهدی ، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند.^{۷۷}

نیز ایشان فرموده است:

امت حضرت مهدی به سوی آن حضرت پناه می‌برد، همان‌گونه که زنبورهای عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برد. حضرت زمین را پر از عدل می‌کند، چنان‌که از ستم پر شده باشد و دیگر خونی ریخته نمی‌شود.^{۷۸}

در حکومت جهانی حضرت ، بنابر آن‌چه در روایات آمده، هیچ چیزی وجود ندارد مگر این‌که از یاران حضرت حجت پیروی می‌کند، حتی درندگان زمین و پرندگان درنده، خشنودی یاران حضرت قائم را می‌خواهند و اگر یکی از یاران حضرت از روی زمینی بگذرد، آن قطعه از زمین افتخار خواهد کرد که امروز مردی از یاران قائم از روی من گذشت.^{۷۹}

از آن رو که در حکومت حضرت مهدی حق کسی ضایع نمی‌شود، بر کسی ستم نمی‌گردد و زمینه آسایش مردم فراهم است، مردم به حضرت عشق می‌ورزند و کشور دل خود را برای فرمانروایی حضرت قرار می‌دهند و پروانه‌وار در اطراف شمع وجود او می‌چرخند.

۵. گسترش اسلام

هدایت مردم از مهم‌ترین اهداف همه انبیاء و سفیران خداوند بوده است. پیامبران الهی شبانه روز کوشیده‌اند تا مردم را از غیر خداپرستی به سمت خداپرستی دعوت نمایند، اما سرانجام تنها گروهی اندک از مردم به آن بزرگواران ایمان آورده‌اند و اکثر مردم با آنان مخالفت ورزیده‌اند و در برابر پیامبران الهی ایستاده‌اند.

در زمان حضرت حجت آیه **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** مصداق پیدا خواهد کرد و چراغ‌های دل مردم روشن خواهد شد. آنان که اسلام را نمی‌پذیرند، پس از اتمام حجت دیگر مجالی نخواهند داشت. برای اثبات این فرضیه روایات زیر در پی می‌آید:

بنابر روایتی از ابن‌بکیر، حضرت ابوالحسن در مورد آیه ۸۳ سوره آل عمران **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا** فرمود:

این آیه درباره قائم نازل شده است. وقتی حضرت ظهور نماید، اسلام را در شرق و غرب عالم بر بیهود، نصارا، صابئین، زندیقان، مرتدان و کافران عرضه می‌کند؛ هر کس اسلام را با رضایت پذیرد، او را به نماز و زکات و دیگر چیزها که خدا بر او واجب گردانیده و یک مسلمان به آن مأمور است، دستور می‌دهد و کسی که اسلام را نپذیرد، حضرت گردن او را می‌زند تا در شرق و غرب عالم کسی نماند، مگر آن‌که به یگانگی خداوند معتقد گردد.^{۸۰}

بنابر تفسیر آیه **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** و **وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**^{۸۱} روایتی از امام باقر آمده است که این امر در زمان ظهور حضرت مهدی از خاندان محمد، تحقق پیدا می‌کند که هیچ‌کسی نمی‌ماند مگر این‌که به پیامبر ایمان می‌آورد.^{۸۲}

بی‌تردید، پس از زمان پیامبر اعظم بدعت‌هایی فراوان در اسلام پدید آمده است که در گذر زمان در جامعه قداست یافته‌اند و مردم آنها را جزء مناسک دینی و مقدّسات به شمار می‌آورند، در حالی‌که این‌گونه نیست. وقتی حضرت حجت ظهور می‌کند، بدعت‌ها را از میان برمی‌دارد. بنابر حدیثی آمده است:

... و قمع به البدع المدخولة؛^{۸۳}

با ظهور حضرت بدعت‌هایی که در دین داخل شده از بین می‌رود.

د) دگرگونی در عرصه اقتصادی

دگرگونی در عرصه اقتصادی از دیگر دگرگونی‌ها در جامعه جهانی حضرت مهدی است. همه مردم در حکومت ایشان از بهترین زندگی مادی و رفاهی بهره می‌برند و هیچ فقری در جامعه پیدا نمی‌شود. علت این امر، علاوه بر باران‌های آسمانی، محصولات زمین و تلاش مردم و تقوای افراد جامعه است که مردم به آموزه‌های دینی عمل می‌کنند. سنت خداوند نیز بر این جاری شده که هر جامعه‌ای تقوای الهی پیشه کند، خداوند در زندگی مادی و اقتصادی آنان برکت می‌دهد.

۱. برکات زمین و آسمان

رحمت الهی در زمان امام زمان از آسمان فراوان می‌بارد و زمین سیراب می‌گردد. این خود باعث می‌شود گنج‌های سبز زمین، از دل زمین سر بر آورد و کوه و صحرا سرسبز گردد. بنابر روایتی، پیامبر اسلام فرموده است:

در زمان حضرت مهدی باران از آسمان مانند زمان حضرت آدم می‌بارد

بی‌تردید، پس از زمان پیامبر اعظم بدعت‌هایی فراوان در اسلام پدید آمده است که در گذر زمان در جامعه قداست یافته‌اند و مردم آنها را جزء مناسک دینی و مقدّسات به شمار می‌آورند، در حالی‌که این‌گونه نیست. وقتی حضرت حجت ظهور می‌کند، بدعت‌ها را از میان برمی‌دارد. بنابر حدیثی آمده است

و زمین برکات خود را خارج می‌سازد و گونه زندگی
امّتم در زمان حضرت مهدی در هیچ زمانی نبوده
است.^{۸۴}

بنابر روایتی دیگر از پیامبر اعظم ایشان فرموده است:
در حکومت حضرت مهدی زمین گیاهان خود را
می‌رویاند و از آسمان باران می‌بارد و امّتم در حکومت او
از نعمتی بهره‌مند می‌شود که هیچ زمانی از چنین نعمتی
بهره‌مند نبوده است.^{۸۵}

یکم. دگرگونی در سیستم زراعتی

در زمان حضرت حجت زمین‌های بایر و صحراهای خشک
همه زیر کشت می‌رود و بدین ترتیب، با وسایل بسیار پیش‌رفته
نهرهای بزرگ^{۸۶} کشیده می‌شود و مردم از فقر و کم‌بود مواد
غذایی رهایی پیدا می‌کند. بنابر روایتی امیر مؤمنان فرموده
است:

زمانی که قائم ما به پاخیزد، آسمان باران خود را می‌باراند
و زمین سبزه‌های خودش را می‌رویاند... به گونه‌ای
که شخص بین عراق و شام راه می‌رود، اما هیچ قدمی
نمی‌گذارد مگر این که بر روی سبزه باشد.^{۸۷}

میان عراق و شام صحراهای بزرگ فراوانی وجود دارد که
همه سرسبز می‌گردد. در حقیقت، همه صحراهای جهان مانند
صحراهای بین عراق و شام سرسبز می‌گردد.^{۸۸} گسترش زمین
زراعتی موجب می‌شود که از سوئی مواد خوراکی و میوه و امثال
آن فراوان با قیمت ارزان در اختیار انسان قرار گیرد و از سوی
دیگر، کسی بی‌کار در جامعه نباشد و از سوی دیگر، فقر از جامعه
ریشه‌کن گردد و از سوی دیگر، بر اثر فضای سبز و درختان زیاد و
برطرف شدن سوء تغذیه بیماری کاهش یابد.^{۸۹}

دوهم. رونق یافتن دام‌داری

دام‌داری از اموری است که در عصر حکومت مهدوی بسیار
رایج می‌گردد و مردم بدان توجه می‌کنند. از آن‌جا که علف و
چراگاه‌های بسیار مناسب در آن زمان وجود دارد و آب و علف
فراوان است، زمینه برای دام‌پروری بسیار و مناسب خواهد بود.
این امر نیازهای مردم را از قبیل فرآورده‌های لبنی و گوشت فراهم

می‌کند. بنابر روایتی پیامبر اسلام فرموده است:
مهدی در آخر زمان در میان امّتم ظهور می‌کند که در
آن زمان آب فراوان و گیاه و دام‌داری زیاد می‌گردد.^{۹۰}

سوم. رونق یافتن تجارت و بازرگانی

از کارهای مهم که در زمان ظهور اتفاق می‌افتد و در رشد
اقتصادی و توسعه جامعه تأثیر مهم دارد، رونق تجارت است.
تجارت در اسلام جایگاهی ویژه دارد تا آن‌جا که در روایات آمده
است:

رزق و روزی ده جزء است که نه جزء آن در تجارت و
یک جزء آن در غیر تجارت است.^{۹۱}

مردم در زمان ظهور حضرت حجّت به تجارت مشغول
می‌گردند که از رسول خدا در این باره روایت کرده‌اند:
از نشانه‌های ظهور مهدی این است که مال و ثروت
همانند سیل در میان مردم به جریان می‌افتد، علم و
دانش ظاهر می‌شود و بازرگانی گسترش یافته شکوفا
می‌گردد.^{۹۲}

چهارم. استخراج معدن

حکومت و مردم در زمان ظهور با هم‌کاری معدن‌ها را به اندازه
نیاز خود استخراج می‌کنند و خمس آن را به دولت می‌پردازند تا
به فقیران و نیازهای دولت رسیدگی گردد. استخراج معدن باعث
می‌شود مردم از فقر و بی‌کاری نجات پیدا کنند و به راحتی از
نعمت‌های الهی بتوانند بهره‌مند گردند.^{۹۳} درباره استخراج معدن
نیز روایات بسیار است. برای نمونه، امام باقر فرموده است
که خداوند در زمان حضرت حجّت گنج‌های زمین و معادن
را استخراج می‌کند.^{۹۴}

۲. از بین رفتن تبعیض در تقسیم اموال

از امام باقر روایت کرده‌اند که حضرت حجّت ، اموال
را به صورت مساوی تقسیم می‌کند و با مردم عادلانه رفتار
می‌نماید.^{۹۵} مانند این روایت را از پیامبر اسلام نقل کرده‌اند
که حضرت فرمود:
وقتی حضرت مهدی ظهور کند، دنیا را از عدل و

داد می‌گستراند، همه مردم از او راضی خواهند بود و حضرت اموال را بین مردم به صورت مساوی تقسیم خواهد کرد. آن‌گاه خداوند دل‌های اُمَّت محمد را از بی‌نیازی پر می‌کند.^{۹۶}

۳. از بین رفتن شکاف طبقاتی

رفاه اقتصادی و معیشتی از دگرگونی‌های مهم در حکومت حضرت ولی‌عصر است. مشکلات اقتصادی مردم در این حکومت برطرف می‌گردد و همه مردم از امکانات رفاهی و اقتصادی خوبی بهره‌مند می‌شوند. رفاه اقتصادی به این دلیل است که از یک‌سو برکت و نعمت الهی فراوان می‌گردد، به گونه‌ای که اموال در یک‌جا انباشته می‌گردد و مردی بلند می‌شود عرض می‌کند: «یا مهدی! از آن اموال برایم عطا نما!» حضرت می‌فرماید: «از این اموال بردار!»^{۹۷} از سوی دیگر، مردم با تربیت درست اهداف واقعی خود را بهتر می‌شناسند و برای رسیدن به کمالات معنوی تلاش می‌کنند.

۴. مبارزه با سرمایه‌داری

مبارزه با سرمایه‌داری از دگرگونی‌هایی به شمار می‌رود که در حکومت حضرت مهدی در عرصه اقتصادی رخ می‌دهد؛ زیرا طبقه حاکم که در عینیت و عمل با تمام وجود خویش استضعاف و محرومیت را لمس کرده‌اند و از مشکلات آن احساسی راستین دارند، هیچ‌گاه با سرمایه‌داری سازش نمی‌کنند و میدان را برای یکه‌تازی‌های قشر مرفه و شادخوار باز نمی‌گذارند و همه راه‌های نفوذ آنان را در بخش‌های حیاتی جامعه می‌بندند. کنار نیامدن با عامل اصلی محرومیت و خشکاندن سرچشمه آن در جامعه بشری، ماهیت راه و کار مستضعفان است. این راه از آغاز نهضت‌های انبیا در نظر بوده است، چنان که قرآن کریم همواره این بُعد از قیام پیامبران را ترسیم کرده که با طاغوتیان و سلطه‌طلبان مالی درگیر می‌شده‌اند، همان‌سان که با سلطه‌طلبان سیاسی و نظامی. قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ *^{۹۸}

و به یقین، موسی را با آیات خود و حجّتی آشکار فرستادیم * به سوی فرعون و هامان و قارون، [اما آنان] گفتند: «افسونگری شیاد است».

روشن است که از جمله اهداف این پیامبر الهی، چنان‌که سرنگونی نظام سیاسی فرعون است، سرنگونی نظام سرمایه و ثروت‌اندوزی نیز هست که سبب آن در آن روزگار قارون بوده است.

سرمایه‌داری و سلطه آن بر جامعه‌های بشری در آن دوران سراسر عدل، پایان می‌یابد و توده‌های مظلوم بشری از زیر یوغ سلطه این طبقه زالوصفت‌رهایی می‌یابند و هرگونه بهره‌کشی ظالمانه از میان می‌رود و استثمار، این پدیده شوم، ره نیستی و زوال می‌یابد.

رفاه اقتصادی و معیشتی از دگرگونی‌های مهم در حکومت حضرت ولی‌عصر است. مشکلات اقتصادی مردم در این حکومت برطرف می‌گردد و همه مردم از امکانات رفاهی و اقتصادی خوبی بهره‌مند می‌شوند

ویژگی حاکمیت طبقه پایین و مستضعف همین است که به دوران سیاه ظلم قشری اندک بر توده‌های عظیم انسانی پایان می‌دهد.

۵. ریشه‌کن شدن فقر

فقر در زمان حکومت حضرت حجّت ریشه‌کن می‌شود و در قلمرو حکومت ایشان با تمام گستردگی که دارد، حتی یک فقیر مستحقّ زکات و مالیات نیز پیدا نمی‌شود. بنابر روایتی امام باقر فرموده است:

مردم مالیات خود را بر گردن گذاشته به سوی مهدی می‌روند. خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی‌نیازی به سر می‌برند و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را دربر نمی‌گرفت، سرکشی می‌کردند.^{۹۹}

بنابر روایتی حضرت ابوعبدالله فرموده است:

زمین در زمان ظهور حضرت قائم گنج‌های خود را بیرون می‌ریزد، به گونه‌ای که مردم آن را بر روی زمین می‌بینند، مردم زکات مال خود را به دوش می‌گیرند تا مستحقّی بیابند و زکات مال را به او بدهند، اما به دلیل این‌که خداوند آنها را بی‌نیاز گردانیده و با فضل خویش به آنان روزی داده، کسی پیدا نمی‌شود تا زکات را قبول کند.^{۱۰۰}

۶. رفاه اجتماعی^{۱۰۱}

دگرگونی مثبتی که در جامعه زمان حضرت حجّت اتفاق می‌افتد، عبارت از رفاه اجتماعی است. رفاه اجتماعی بنابر تعریفی ساده راحتی و بهبود وضع مردم را گویند. بنابر دیدگاه فایده‌گرایی، رفاه فردی در اصل اندازه‌گیری نمی‌شود و رفاه اجتماعی به طور ساده حاصل جمع رفاه همه افراد است.^{۱۰۲} همه دولت‌های خدمت‌گزار می‌کوشند تا رفاه و آسایش شهروندان خود را تأمین کنند و دولتی پیروز ارزیابی می‌گردد که در این عرصه برای شهروندان خود بتواند کاری کند. نعمت در حکومت حضرت حجّت ، فراوان است، مردم به سوء تغذیه مبتلا نیستند، بیماری کاهش می‌یابد، دست‌رس به بهداشت برای همه میسر است و در نتیجه، امید به زندگی افراد افزایش می‌یابد.

یکم. فراوانی نعمت: در زمان حضرت حجّت آن‌گونه که از مجموع احادیث به دست می‌آید، مردم از لحاظ زندگی مادی در آسایش و راحتی به سر می‌برند؛ زیرا قرآن چنین وعده فرموده است:

هرکس ایمان بیاورد و تقوای الهی پیشه نماید، خداوند هم برکات زمین و آسمان را برای آنها نازل می‌کند.

سنت الهی اقتضا می‌کند که مردم در آن زمان حدّ نصاب لازم از ایمان و تقوای الهی را کسب کنند، یعنی این شرط که آیه بیان می‌فرماید، محقق می‌شود. لذا به دنبال شرط، مشروط هم می‌آید و خداوند نعمت‌های فراوانی به آنان عطا می‌فرماید که در واقع، نتیجه عمل خوبشان خواهد شد.^{۱۰۳} از این رو، بنابر روایات از یک‌سو باران فراوان از آسمان می‌بارد و این امر باعث می‌شود که زمین برکاتش را خارج کند و از سوی دیگر، مردم اموال واجب خود را خارج می‌کنند که نشانه ایمان و تقوایشان است. و افراد جامعه نیز از لحاظ اخلاقی عزّت‌طلب و قانع خواهند بود، و امام نیز اموال را به صورت مساوی بین مردم تقسیم خواهد کرد. همه این عوامل سبب می‌شوند مردم در جامعه از لحاظ اقتصادی با رفاه زندگی کنند. در حقیقت، علت تأمین معیشت مردم همان تقوای الهی و بلور به خداوند است که قرآن به آن از قبل وعده داده است.

دوم. امکان دست‌رس به بهداشت و درمان: با پیش‌رفت و ترقی که در آن زمان رخ می‌دهد، مردم به بهداشت و درمان به آسانی دست‌رس پیدا می‌کنند و بیماری‌های صعب‌العلاج آنان درمان می‌گردد. در حدیث آمده است که اگر بیمار و یا شخصی ضعیف زمان حضرت حجّت را درک کند، حالش بهبود می‌یابد و قوی می‌گردد.^{۱۰۴}

سوم. کاهش بیماری: مردم در زمان حضرت حجّت به دلیل فراوانی نعمت و هوای پاک کمتر بیمار می‌شوند. در حدیثی از امام سجاد روایت شده است که حضرت فرمود:

وقتی قائم ما به پاخیزد، خداوند بیماری را از میان شیعیان ما می‌برد.^{۱۰۵}

چهارم. افزایش امید به زندگی: از امور مطرح در رفاه اجتماعی، امید به زندگی افراد جامعه است. در حکومت حضرت حجّت امید به زندگی افزایش پیدا می‌کند و بنابر روایتی امام صادق

فرموده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند... مردم در سایه فرمان‌روایی او عمری دراز خواهند داشت.^{۱۰۶}

علت افزایش امید به زندگی را آب و هوای سالم،^{۱۰۷} بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی، کاهش بیماری و فراوانی نعمت‌های الهی مانند تغذیه سالم، آب بهداشتی، افزایش میوه، لبنیات و گوشت می‌توان دانست.

نتیجه

در حکومت جهانی حضرت مهدی دگرگونی‌های فراوانی رخ می‌دهد. مهم‌ترین دگرگونی در بخش فرهنگی اتفاق می‌افتد؛ زیرا حضرت همه رموز علم را می‌آورد که ۲۷ حرف است، عقول مردم رشد می‌کند، مراکز فرهنگی فراوانی تأسیس می‌گردد، حتی زنان به مدارج بالای علمی دست می‌یابند، ارتباطات و امکانات آموزشی و فرهنگی به صورت سازنده در همه زمینه‌ها رشد می‌کنند، علوم دینی در سطح بسیار بالایی به صورت بسیار دقیق فراگرفته می‌شود و مردم از نگاه فرهنگی بسیار رشد می‌کنند. هم‌چنین وقتی فرهنگ دگرگون گردد، بدون تردید رفتارهای اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و... نیز دگرگون می‌گردد و متناسب با فرهنگ متعالی دینی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، بخش اقتصادی و برخورداری از رفاه مادی در جامعه مهدوی به اوج می‌رسد، نعمت‌های الهی از زمین و آسمان نازل می‌شود و مردم از نگاه اقتصادی بسیار رشد می‌کنند. فاصله طبقاتی در نظام اقتصادی آن زمان از بین می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در حکومت حضرت
حجت امید به
زندگی افزایش پیدا
می‌کند
علت افزایش امید
به زندگی را آب و
هوای سالم،^{۱۰۷} بهبود
وضعیت بهداشتی و
درمانی، کاهش بیماری
و فراوانی نعمت‌های
الهی مانند تغذیه سالم،
آب بهداشتی، افزایش
میوه، لبنیات و گوشت
می‌توان دانست

پی‌نوشت‌ها

- * محقق گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده مهدویت
 ۱. جولوس گولد، ویلیام ل. کوکب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروهی از مترجمان، ص ۳۶۵، مازیار، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۲. دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۴۷۴، انتشارات سعید محبی، قم ۱۳۷۶.
3. Morris Ginsberg.
۴. گی روشه، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، ص ۲۶، انتشارات تبیان، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۵. همان، ص ۲۵.
۶. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۲۷.
۷. «ولا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحٍ عَمَلٌ بِهَا صَدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، واجتمعت بها الألفه، وصلحت عليها الرعيه و لا تُحدثن سنه تضر بشيء من ماضي تلك السنن، فيكون الأجر لمن سنّها والوزر عليك بما نقضت منها.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۲)
۸. «بعثت وزيراً و لم ابعث أميراً.» (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۷۶، انتشارات مؤسسه علمی، بیروت ۱۴۲۳ قمری)
۹. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبیا، آیه ۱۰۵) در تفسیر نمونه در مورد بندگان صالح خدا آمده است:
- با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسئله ایمان و توحید آنها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه «صالحون» که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی که بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کند، و وارث میراث‌های آنها گردند. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۸)
۱۰. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵)
۱۱. حضرت حجت خود در رأس قدرت قرار می‌گیرد و افرادی هم‌چون حضرت عیسی به عنوان وزیر در این حکومت مشغول فعالیت خواهند بود.
12. Judson R. Landis.
13. Steven, Vago, Social change, USA. Prentice hall, third edition, 1996p8.
۱۴. ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، ص ۳۱، انتشارات مولی، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۱۵. و این مطلب را به خوبی می‌توان از فراگیری عدالت اجتماعی در عصر حکومت جهانی حضرت حجت استفاده نمود؛ زیرا اگر روابط افراد عادلانه نباشد عدالت اجتماعی تحقق پیدا نکرده است، در حالی که حضرت حجت زمین را پر از عدل و داد می‌کند و ریشه ستم را از بین می‌برد. این مطلب در احادیث فراوان آمده است، برای نمونه می‌توان به این حدیث از پیامبر اسلام اشاره نمود: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا وَ تَمَطَّرَ السَّمَاءُ مَطَرًا كَعَهْدِ آدَمَ وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانِ قُط.» (الملاحم و الفتن، ص ۱۵۰)
۱۶. نهج البلاغه، ترجمه و شرح صبحی صالحی، خطبه ۱۵۰، قطع جیبی.
۱۷. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، روایت ۳۴، چاپ سوم: انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۱۸. مکمال المکارم، ج ۱، ص ۵۲، روایت ۸۵.
۱۹. همان، ص ۱۰۱، روایت ۲۲۸.
۲۰. محمد بن مسعود السلمی السمرقندی المعروف العیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷ (ذیل آیه)، انتشارات علمی، بیروت ۱۴۱۱ قمری؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹، روایت نودم.
۲۱. سوره توبه، آیه ۳۳.
۲۲. فضل بن حسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۵ (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)، انتشارات علمی، بیروت ۱۴۱۵ قمری؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۳.
۲۳. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۳ سوره توبه.
۲۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴. بدین مضمون روایات فراوانی وجود دارد که در منابع اهل سنت نیز آمده است، از جمله در روایتی آمده است: «فإذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم.» (عقد الدرر، ص ۶۲)
۲۵. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۷۰، انتشارات دارالانعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ قمری.
۲۶. اشاره دارد به حدیثی که از امیر مؤمنان نقل شده است که حضرت فرمود: «العدل أساس به قوام العالم.» (میزان الحکمة، روایت ۱۱۹۵۵)
۲۷. اشاره به حدیثی از امام علی است که می‌فرماید: «العدل حياة.» (همان، روایت ۱۱۹۸۴)
۲۸. اشاره دارد به حدیثی از امام کاظم که حضرت در تفسیر آیه یحی الارض بعد موتها فرمود: «لیس یحییها بالقطر و لکن بیعت الله رجلاً فیحیون العدل فتحی الأرض لإحیاء العدل و لإقامة الحد.» (همان، روایت ۱۱۹۸۶)
۲۹. «فمعد ذلك بنادی مناد من السماء یا أيها الناس، إنا لله عزّ وجلّ قد قطع عنکم مدّة الجبارین و المنافقین و ولاکم خیر أمة محمد فالحقوا به بمکة فإنه المهدی.» (یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی السلمی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۶۳، انتشارات نصایح، بی‌جا، ۱۴۱۶ قمری)
۳۰. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۹، انتشارات دارالحدیث، قم ۱۳۸۰ شمسی.
۳۱. عقد الدرر، ص ۲۰۴.
۳۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱؛ عقد الدرر، ص ۶۷ (با کمی تفاوت).
۳۳. عقد الدرر، ص ۳۹.
۳۴. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ص ۱۵۰.
۳۵. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۸۱، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱ قمری.
۳۶. اشاره دارد به حدیثی که از پیامبر اسلام نقل شده است: «يكون في أمتي المهدي يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و تمطر السماء مطراً كعهد آدم و تخرج الأرض بركاتها و تعيش أمتي في زمانه عيشاً لم تعشه قبل ذلك في زمان قُط.» (الملاحم و الفتن، ص ۱۵۰)
۳۷. اشاره به حدیثی دارد که می‌فرماید: «نحن معاشر الأنبياء نكلم الناس على قدر عقولهم.»
۳۸. سوره ابراهیم، آیه ۴.

۳۹. در حدیثی که امام مجتبیٰ [ع] از پدرش حضرت علی [ع] نقل می‌فرماید چنین آمده است: «مهدی [ع] زمین را از برهان و دانش و نور هدایت پر می‌کند تا آنجا که سراسر گیتی به وی ایمان آورد و کافران مسلمان شوند و فاسقان صالح گردند.» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۷۰)
۴۰. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی [ع]، ص ۶۱
۴۱. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . (سوره جمعه، آیه ۲)
۴۲. زیرا هیچ کسی نمی‌ماند مگر این که اسلام را می‌پذیرد و در این باره روایات زیادی وجود دارد که در این مقاله نیز به برخی از آنها اشاره شده است.
۴۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۴۴. برای آشنایی بیشتر نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، ص ۳۰۹ بخش هفتم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۸ شمسی.
۴۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۴۶. عبدالمجید معادی‌خواه، فرهنگ آفتاب، ج ۹، ص ۴۶۹۷، انتشارات ذره، ۱۳۷۲ شمسی.
۴۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲ (عن ابی جعفر : «... و توتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتتلقى فی بیتها بکتاب الله تعالی وستة رسول الله.»)
۴۸. قال الصادق : «إذا قام قائم آل محمد بنی فی ظهر الکوفة مسجد له ألف باب و اتصلت بیوت الکوفة بنهر کربلا.» (همان، ص ۳۳۷)
۴۹. عن علی : «کأني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة و قد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما أنزل.» (همان، ص ۳۶۴)
۵۰. همان.
۵۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۵.
۵۲. در فرهنگ امروز غرب علم تجربی و طبیعی رمز اقتدار و توسعه و پیشرفت و بلکه ویژگی منحصر به فرد تمدن بشر شمرده می‌شود. امروز وقتی واژه علم به زبان آورده می‌شود ناخودآگاه علم تجربی و طبیعی به اذهان تبادر می‌کند در حالی که این واژه در گذشته نه چندان دور صرفاً این معنا را با خود همراه نداشته و حتی در غرب نیز به معنای امروزی خود به کار نمی‌رفت. در اسلام علم مراتبی دارد که بین مراتب آن همانند مراتب هستی پیوند و ربطی دقیق وجود دارد. قله آن علم الهی است. در مرتبه بعد علم لدنی وجود دارد که اولیای خدا از علم لدنی و الهی بهره‌مند می‌شوند و به لوح محفوظ راه پیدا می‌کنند، این علم با تزکیه و تغییر و تحول در وجود و هستی انسان حاصل می‌شود. این نوع علم، علم شهودی نیز نام دارد. در مرتبه بعد معرفت حصولی عقلی نام دارد که حکما در این مرتبه قرار دارند؛ کسانی که از تقرب و هم‌نشینی با فرشتگان محروماند لکن به آنها مشغول می‌گردند. در مرتبه بعدی علم و دانش حسسی قرار دارد که قلمرو آن عالم طبیعت و محسوسات است و عالم در این مرتبه هر کس می‌تواند باشد، سرور کار انسان در این مرتبه با مفاهیم و محسوسات است. مفهوم علم در فرهنگ دینی همه مراتب فوق را شامل می‌شود و شرافت علم به تناسب مراتب آن معین می‌شود. علم تا قبل از رنسانس حتی در غرب بر دانش الهی نیز اطلاق می‌شد و علم در مغرب‌زمین پیشینه‌ای دینی دارد؛ یعنی بر دانش الهی نیز اطلاق می‌شود. اما پس از رنسانس به تفکیک عقل و دین دامن زده شد که در این میان دین به حاشیه رانده شد و علم بر امور تجربی و حسی و نه بر امور متافیزیک اطلاق شد.
۵۳. محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲۱، انتشارات مؤسسه

- امام مهدی ، قم ۱۴۰۴ قمری.
۵۴. عن الصادق : «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجمع ما جائت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبها في الناس و ضم إليها الحرفين حتى بيئها سبعة وعشرين حرفاً.» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)
۵۵. ابا عبدالله : «إن المؤمن في زمان القائم و هو بالمشرق ليرى أخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يرا أخاه الذي في المشرق.» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱)
۵۶. همان، ص ۳۳۶.
۵۷. ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲۱.
۵۸. همان.
۵۹. همان، ص ۱۱۳.
۶۰. همان.
۶۱. عن ابی خالد الکابلی ان ابی جعفر قال : «إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم.» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)
۶۲. چشم‌اندازی به حکومت مهدی [ع]، ص ۱۸۹. (به نقل از: الاصول الستة عشر، ص ۶) زید زراد می‌گوید: خدمت امام صادق عرض کردم: بيم آن داريم که از مؤمنان نباشيم، چون در میان خود کسی را نمی‌یابيم که برادر دینی خود را بر درهم و دینارش برتری دهد... حضرت فرمود: «خير، شما مؤمن هستيد؛ ولی ایمان‌تان کامل نمی‌گردد، مگر آن که قائم ظهور کند. در آن هنگام خدا در شما بردباری و شکیبایی پدید می‌آورد و آن‌گاه مؤمن کامل خواهد شد.» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)
۶۳. «رجل من عترتي یقاتل علی سنتي كما قاتلت أنا علی الوحي.» (اعلام الهدایة، ص ۲۲۰، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، قم ۱۴۲۲ قمری)
۶۴. «يقفو أثری لا یخطی.» (همان).
۶۵. «و ما لباس القائم إلا الغلیظ و ما طعامه إلا الجشب.» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸)
۶۶. اشاره به حدیثی است که از رسول خدا روایت شده که حضرت فرمود: «يقفو أثری لا یخطی.» (اعلام الهدایة، ص ۲۰۸)
۶۷. برای تفصیل بیشتر نک: همان، ص ۲۲۱.
۶۸. الملاحم و الفتن، ص ۷۶.
۶۹. عن ابی عبدالله قال: «إذا قام قائم آل محمد استخرج من ظهر الكعبة سبعة و عشرون رجلاً خمسة و عشرين من قوم موسى الذين يقضون بالحق و به عدلوم و سبعة من أصحاب الكهف و يوشع وصی موسى و مؤمن آل فرعون و سلمان الفارسی و أباجانة الانصاری و مالک الاشتهر.» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۵، ذیل آیه ۱۵۹ سوره اعراف؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۷ ذیل آیه ۱۵۹ سوره اعراف؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۶۵، انتشارات علمی، بیروت ۱۳۹۹ قمری)
۷۰. فرهنگ آفتاب، ج ۹، ص ۴۶۹۷.
۷۱. اعلام الهدایة، ص ۲۲۴. (به نقل از: مسند ابن سبیه)
۷۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر [ع]، ص ۵۲۹، انتشارات صدر، تهران [بی‌تا].
۷۳. در روایت آمده است که یاران حضرت حجت مانند عقابان تیزپروازند

- و هم‌چنین یاران حضرت حجت به شیر تشبیه شده‌اند. (نک: *دانش‌نامه امام علی*، ج ۳، ص ۳۱۱ - ۳۱۲)
۷۴. «ولو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها ولأخرجت الارض نباتها ولذهبت الشحنة من قلوب العباد واصطلحت السباع و البهائم حتى تمشى المرأة بين العراق الى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات و على رأسها زينتها لا يهيجها سبع و لا تخافه.» (*الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰) *منتخب الاثر* (با اندکی تفاوت). (به نقل از: *خصال*، ص ۵۹۲)
۷۵. *منتخب الاثر*، ص ۵۲۹.
۷۶. شیخ مفید، *الارشاد*، ص ۳۶۵.
۷۷. السيد نورالله، الحسيني المرعشي النستري، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، ج ۱۹، ص ۶۶۳ انتشارات مکتبه آية الله المرعشي النجفي، قم ۱۴۰۲ قمری. ذکر این نکته لازم است که در بعضی از روایات «یرضی عنه ساکن السماء و الأرض» آمده و در برخی از روایات «یحبه ساکن السماء و ساکن الأرض» آمده است.
۷۸. اشاره به حدیثی است که از پیامبر نقل شده و در کتاب *الملاحم و الفتن*، ص ۶۳ آمده است.
۷۹. عن ابی جعفر قال: «کأني بأصحاب القائم... ليس من شيء إلا و هو مطيع لهم حتى سباع الأرض و سباع الطير تطلب رضاهم في كل شيء حتى تفخر الأرض على الأرض و تقول مربي اليوم رجل من أصحاب القائم.» (*بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۲۷)
۸۰. *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۲۰۷ (ذیل آیه)؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۹.
۸۱. سوره توبه، آیه ۳۳.
۸۲. *مجمع البیان*، ج ۵، ص ۴۵ (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)؛ *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۹۳.
۸۳. *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۲۲۲.
۸۴. «... و تمطر السماء مطراً كعهد آدم و تخرج الأرض برکتها و تعيش أمتی فی زمانه عیشاً لم تعشه قبل ذلك فی زمان قطاً.» (*الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰)
۸۵. «... و تثبت الأرض نباتها و تمطر السماء مطرها و تنعم أمتی فی ولايته نعمة لم ینعموا مثلها.» (*همان*، ص ۱۵۱)
۸۶. «عن ابی جعفر ... ثم یأمر أن یحفر من ظهر مشهد الحسين نهراً یرى إلى الغریین، حتى ینزل الماء فی النجف...؛ از جمله آن نهرها نهری است که حضرت مهدی دستور می‌دهد تا از کربلا بکشد و آب از صحرای بین کربلا و نجف عبور کند تا آب به نجف برسد.» (برای تفصیل بیشتر نک: *تاریخ ما بعد الظهور*، ص ۵۴۴)
۸۷. *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰.
۸۸. برای تفصیل بیشتر نک: *تاریخ ما بعد الظهور*، ص ۵۵۲.
۸۹. برای تفصیل بیشتر نک: *همان*، ص ۵۵۳.
۹۰. «یخرج فی آخر أمتی المهدی، یسقيه الله الغیث و تخرج الأرض

- نباتها... و تكثر الماشیة.» (*همان*، ص ۵۴۳)
۹۱. «الرزق عشرة أجزاء تسعة أجزاء فی التجارة و واحد فی غيرها.» (*بحار الانوار*، ج ۴۲، ص ۱۶۱)
۹۲. «من أشرط الساعة أن یفیض المال، و یظهر العلم و یفشو التجار.» (*نشانه‌هایی از دولت مهدی*، ص ۲۶۳)
۹۳. برای تفصیل بیشتر نک: *تاریخ ما بعد الظهور*، ص ۵۵۶.
۹۴. «و یظهر الله له كنوز الأرض و معانها.» (*همان*، ص ۵۴۶)
۹۵. *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۱.
۹۶. قال النبی : «... یقسّم المال صحاحاً، قلنا و ما الصحاح؟ قال بالسویة بین الناس فیمالاً الله قلوب أمة محمد غنی و یسعهم عدله.» (*عقد الدرر*، ص ۹۵)
۹۷. قال رسول الله : «والمال یومئذ کدوس یقوم الرجل فیقول یا مهدی أعطنی فیقول خذ.» (الکنجی الشافعی، *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، ص ۱۴۵، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۴۱۵ قمری؛ *الملاحم و الفتن*، ص ۶۴)
۹۸. سوره غافر، آیه ۲۳ - ۲۴.
۹۹. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۵.
۱۰۰. ابا عبدالله : «إن قائمنا إذا قام... تظهر الارض كنوزها حتى تراها أساس علی وجهها و یطلب الرجل منكم من یصله و یأخذ من زکاته لا یوجد أحد یقبل منه ذلك استغنی أناس بما رزقهم الله من فضله.» (*همان*، ص ۳۳۷)
101. social welfare.
۱۰۲. *فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی*، ص ۴۴۰.
۱۰۳. برگرفته از آیه ۹۶ سوره اعراف که خداوند به عنوان یک قانون بیان می‌دارد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.
۱۰۴. قال الامام الباقر : «من ادرك قائم أهل بيتي من ذی عاهه برأ و من ذی ضعف قوی.» (*بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۵)
۱۰۵. «إذا قام قائمنا، أذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة.» (*همان*، ص ۳۱۷)
۱۰۶. «إن قائمنا إذا قام... و یعمر الرجل فی ملكه حتى یولد له ألف ذکر.» (*همان*، ص ۳۳۷)
۱۰۷. زیرا باران فراوان می‌بارد و این امر باعث می‌شود تا زراعت رونق یابد و دام‌پروری گسترش پیدا کند، در نتیجه لبنیات و گوشت مورد نیاز از این طریق تأمین گردد.